

## هشدار غنی به پاکستان:

# به شورای امنیت متوسل می شویم



شماره ۳

سفیر روسیه در کابل:

## با طالبان هیچ رابطه‌ی نداریم



سفیر روسیه در کابل در مورد مذاکرات صلح افغانستان گفت که دیدگاه مسکو به روند صلح بین‌افغانی تغییرناپذیر است. الکساندر ماتیسکی سفیر روسیه در کابل، عملکردها برای لطمه زدن به روابط کابل و مسکو را محکوم کرد و گفت که چندبار است که دیدگاه کابلوف درباره افغانستان تحریف می‌شود. وی افزود: دید روسیه به روند صلح بین‌افغانی تغییرناپذیر است.

ماتیسکی ادامه داد که روسیه از روند صلح و آشتی ملی در افغانستان حمایت می‌کند.

او گفته که از جمع کشورهای تأثیرگذار جهان، تنها روسیه است که با طالبان رابطه ندارد.

سفیر روسیه همچنان گفت که تلاش‌ها برای تخریب رابطه کابل و مسکو را به شدت محکوم می‌نماید.

چندی قبل، ضمیر کابلوف نماینده ویژه روسیه برای افغانستان و پاکستان، در دیدار با رییس‌جمهور افغانستان گفته بود که گروه طالبان باید بدانند که دولت افغانستان تنها مسیر برای گفت‌وگوهای صلح است و آنها چاره‌ی جز انتخاب آن ندارند.

وی ادامه داده بود: طالبان به دلیل انشعاب به گروه‌های مختلف توانایی گذشته را ندارند.

نماینده ویژه روسیه برای افغانستان همچنین گفته بود که به ابتکاری مبنی بر طرح نقشه راه از طریق برگزاری نشست ۴ جانبه صلح میان آمریکا، چین، پاکستان و افغانستان خوشبین نیستیم.

کابلوف اعلام کرده بود که مقامات مسکو به مذاکرات ۴ جانبه امریکا، چین، پاکستان و افغانستان نخواهد پیوست اما آماده ایجاد روند جدید است.

## جنرال زپور زاهد د نگرهار امنیه قوماندان و ټاکل شو



د نگرهار چارواکي وايي، د افغانستان د کورنیو چارو وزارت جنرال زپور زاهد د دغه ولایت د نوي امنیه قوماندان په توګه ټاکلی.

د نگرهار د والي وياند عطاالله خوریانی وايي، زاهد به ډېر ژر د نگرهار د امنیه قوماندان په توګه خپله دنده پیل کړي.

تر زاهد وړاندې مل پاسوال فضل احمد شېرزاد د نگرهار د امنیه قوماندان په توګه دنده تر سره کوله او جنرال زپور زاهد تر دې وړاندې د غزني او پکتیکا ولایتونو د امنیه قوماندان په توګه دنده تر سره کړې دي.

### هرات میزبان نخستین کنفرانس اهمیت طرح تاپی

## «تاپی بدیلی در منطقه ندارد»



جنوبی، سبب کاهش تنش‌ها و ایجاد وحدت میان کشورهای سهم‌دار شده و بازرگانی میان این کشورها را بیش از پیش گسترش می‌دهد.

معین وزارت خارجه درباره نگرانی ترکمنستان درباره تأمین امنیت این خطلوله تأکید کرد که حکومت وحدت ملی از هیچ تلاشی برای تأمین امنیت مرحله اجرایی این طرح دریغ نمی‌کند. عبدالقدوس حمیدی، معین وزارت معادن و پترولیوم افغانستان نیز از طرح تاپی به عنوان دهلیز اقتصادی کشور یاد کرد و گفت که نفع این طرح به تمام ولایت‌های کشور به ویژه ولایت‌هایی که در مسیر آن قرار دارند، می‌رسد.

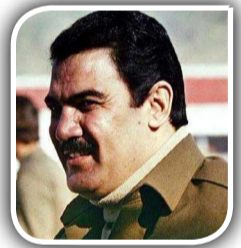
طرح تاپی یا انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به هند و پاکستان، در سال ۲۰۰۲ ایجاد شد و قرار است تا سال ۲۰۱۷ به بهره‌برداری برسد. وزارت معادن و پترولیوم گفته است که افزون بر فراهم‌سازی ۵۰ هزار فرصت شغلی، تنها در بخش تأمین امنیت آن، نزدیک به هشت هزار تن مشغول به کار خواهند شد.

مقام‌های افغانستان، ترکمنستان، پاکستان و هندوستان روز دوشنبه نخستین کنفرانس اهمیت طرح تاپی را در هرات برگزار کردند. وفا حاجی‌اوف، معین سیاسی وزارت خارجه ترکمنستان در این نشست، تاپی را بزرگ‌ترین طرح در سطح منطقه دانست و گفت که این طرح نقطه عطف گسترش روابط کشورهای سهم‌دار در آن است.

آقای حاجی‌اوف افزود که با اجرایی شدن این طرح، افغانستان سالانه یک میلیارد دالر حق‌العبور دریافت می‌کند. او همچنین از آغاز کار ۲۱۴ کیلومتر این طرح از سوی کشورش خبر داد و گفت که ترکمنستان چالش‌های مالی و امنیتی مربوط به مرحله اجرایی این طرح را برطرف کرده است. حاجی‌اوف گفت که موضوع تأمین امنیت در خاک افغانستان نگران‌کننده است و از مقام‌های کشور خواهان توجه بیشتر در این زمینه شد.

نصیراحمد اندیشه، معین وزارت خارجه کشور نیز در این نشست گفت که تاپی هیچ بدیلی در منطقه ندارد و بر پایه نیاز کشورهای منطقه طرح شده است. او افزود که تاپی برعلاوه رفع نیاز گاز آسیای

### در برگ‌ها



از انقلاب برگشت‌ناپذیر ۷ ثور تا انقلاب برگشت‌پذیر ۸ ثور



دین و تجربه دینی



در باب بی‌سوادی استاد برتر دانشگاه کابل



روابط را بر ضوابط مقدم نشمارید

## سخن ماندگار

### سخنان قاطع رییس جمهور قابل حمایت است

رییس‌جمهوری، دیروز در نشستی با شورای ملی کشور، بیانیه‌ی صادر کرد و در آن از موضع‌گیری‌های جدی در برابر طالبان سخن گفت. سخنان رییس‌جمهوری در مواردی بسیار روشن و حتا غیرقابل انتظار بوده است. آنچه در این سخنرانی بی‌پیشینه صراحت داشت، این بود که طالبان بعد از این فقط با شکست در مواضع نظامی‌شان برای صلح تضرع خواهند کرد و دیگر هیچ انتظاری از پاکستان نداریم که طالبان را به میز گفت‌وگو حاضر کند و اگر این کشور همکاری‌های لازم را نداشته باشد، از مراجع دیپلماتیک به شورای امنیت سازمان ملل متحد و نهادهای مدنی آن سازمان شکایت می‌کنیم.

این بخش از سخنان رییس‌جمهور غنی خواستی بود که بارها از جانب رسانه‌ها و منتقدان مطرح شده بود. صادر شدن حکم اعدام برای تروریستان و جنایتکاران و حمایت از قضات کشور در این زمینه، از دیگر مهم‌ترین بخش‌های این سخنرانی بود.

اگرچه در بخش‌هایی از سخنان ریاست‌جمهوری جانب احتیاط درباره طالبان رعایت شد و سعی صورت گرفت که همه طالبان به یک چوب زده نشوند، اما با آن‌هم جرأت سیاسی آقای غنی در برابر طالبان و موضع‌گیری آشکارش در برابر پاکستان و مزدورانش، قابل توجه و حمایت است.

رییس‌جمهور ضمن موضع‌گیری صریح در برابر طالبان، گفت که برای دفاع از دین، وطن و ارزش‌های قانون اساسی کشور، لازم است که یک‌دل و یک‌صدا وحدت خود را در فکر و عمل به نمایش بگذاریم. به این دلیل، در مورد کسانی که به این وحدت لطمه می‌زنند و در عین قرار داشتن در متن نظام و حکومت، با استفاده از منابع آن، آب در آسیاب دشمن می‌ریزند و به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در جنگ روانی علیه مردم با دشمنان این آب‌و‌خاک همسو می‌شوند، ارفاق و مصلحت بیشتر صورت نخواهد گرفت. این به معنای آن می‌تواند باشد که رییس‌جمهوری درک کرده است که زیر نظام و اداره او کسانی هستند که به نفع طالبان کار می‌کنند و این دریافت مایه خورسندی مردم افغانستان است. حالا از کلیت ادبیات آقای غنی در برابر طالبان چنان برمی‌آید که طالبان جنایت‌کار و تروریست‌اند و در عین حال، راهی برای مذاکره به روی‌شان باز است ولی در غیر آن، سرکوب می‌شوند. بنابراین، ما اکنون با ادبیات پانزده سال گذشته مواجه نیستیم و خط سرخ و سیاه در برابر طالبان کشیده شده است.

حمایت رییس دولت وحدت ملی از آنانی که برای جنایتکاران حکم اعدام را در نظر گرفته‌اند، می‌تواند قوتی باشد برای قضات کشور تا در برابر جانپان و تروریستان هرچه قاطع‌تر اقدام کنند و با ممانعت‌های سیاسی مواجه نشوند.

اما حالا مردم افغانستان انتظار دارند که رییس‌جمهور غنی به وعده‌هایی که کرده و قاطعیتی که از خود نشان داده است، عمل کند؛ زیرا در صورتی که رییس‌جمهوری سیاست یاد شده درباره طالبان را روی دست گیرد و نیروهای امنیتی کشور را حمایت کند، بدون شک وضعیت امنیتی در کشور در یک مدت کوتاه به سود دولت و مردم تغییر می‌کند و تروریستان راهی جز فرار و یا هم صلح با دولت نخواهند یافت. ما این را نیز درک می‌کنیم که سخنان آقای غنی با مخالفت‌هایی در تیمش به همراه خواهد بود؛ اما چون او این‌بار سخنی به‌حق گفته و راهی را انتخاب کرده که مردم می‌خواهند، قابل حمایت و ستایش است.

با این‌همه، مردم افغانستان منتظرند که سخنان به‌حق رییس‌جمهوری در عمل پیاده شود تا اعتماد از دست‌رفته آن‌ها به مدیریت کلان سیاسی کشور اعاده گردد. مسلماً با گفتار خالی رییس‌جمهور، نمی‌توان راه به جایی برد. چند سال پیش نیز، پس از ترور استاد برهان‌الدین ربانی، آقای کرزی سخنان مشابهی را در قالب یک بیانیه به‌اصطلاح تاریخی بیان نمود؛ ولی در فردای آن، جناب‌شان به همان راهی رفت که از قبل، در آن روان بود. از این‌رو، آقای غنی باید در عمل ثابت کند که همانند کرزی مواضعش زودگذر و فریبنده نیست!

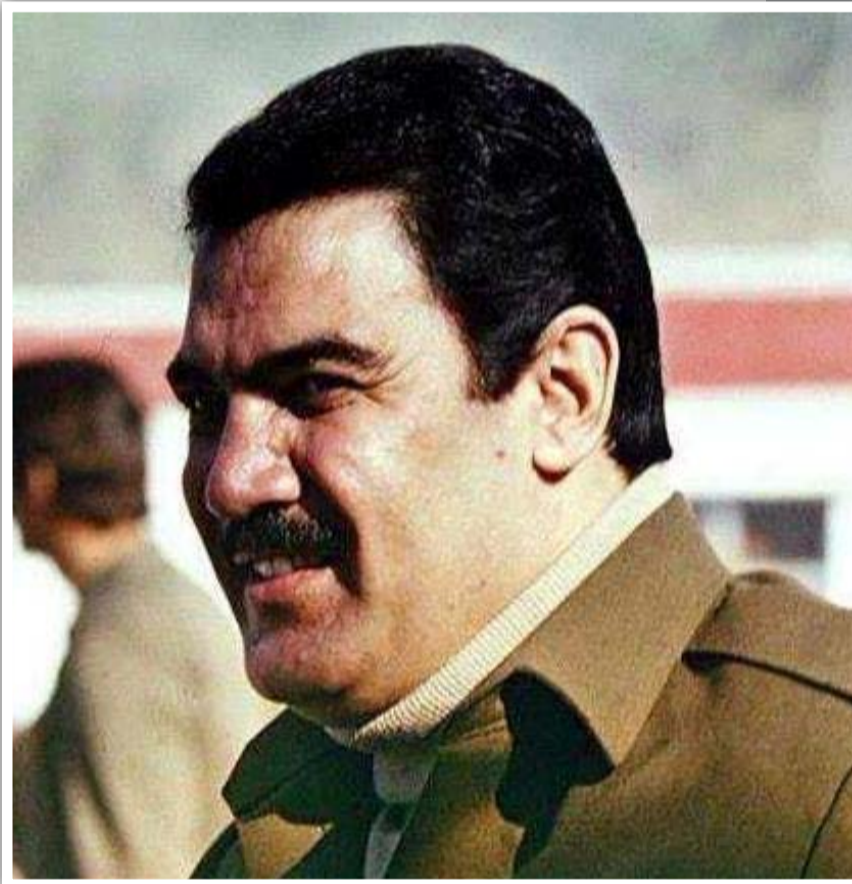
#### بخش دوم

حکمتیار در آن روز (۱۱ حمل ۱۳۷۱) حوادث مزارشریف را به خبرنگاران این‌گونه توضیح داد: «...حقیقت این است که در شمال از مدتی به این‌سو میان دولت و قوت‌های ملیشایی رژیم کشمکش درگرفت. حکومت کابل مجبور شد که جمعه احک را کابل بخواهد؛ زیرا او در یک‌طرف نیروهای متحارب قرار داشت. برخی‌ها در دولت کابل اعتراض کردند که این اقدام یک‌طرفه بود. باید از طرف مقابل برخی افراد تبدیل شود. بنا حکومت کابل برطرفی جنرال مؤمن را فیصله کرد. او این فیصله را قبول نکرد و بغاوت نمود. قوت‌های ملیشه [اشاره وی به جنرال دوستم بود] در این وقت با ما تماس گرفت، شرط ما این بود که آن‌ها اول عملاً به اثبات برسانند که به مجاهدین تسلیم شدند. در این وقت حکومت کابل جمعه احک را دوباره به مزار اعزام کرد. این وقت قوت‌های ملیشایی که بغاوت کرده بود، با قوماندانان سایر تنظیم‌ها یک ائتلاف محلی را ایجاد کردند و به مزارشریف حمله نمودند. نجیب در این زمان نبی عظیمی را با مانوکی منگل و یک هیأت به مزار فرستاد. هیأت فیصله کرد که برای راضی شدن رشید دوستم، جمعه احک دوباره کابل خواسته شود. میدان هوایی و فرقه ۱۸ به دوستم سپرده شود که حالا فرقه و میدان هوایی به دست دوستم است. به مجاهدین تنظیم‌های این ائتلاف از سوی ملیشه‌ها اجازه داده می‌شود که بدون اسلحه وارد شهر مزار شوند. مجاهدین حزب اسلامی از این استفاده کرده،

خبری در همان محل کنفرانس خبری پیشین موضع خود را این‌گونه اعلان کرد: «موژ د شمال له انکشافاتو اديته ورته حوادثونه پوره ملاتړ کوه، موژ له هغه نه حمایت کوه. زه باید دومره اضافه کرم چی بدی پیشو کی د حزب (حزب اسلامی) د مجاهدینو دیره ستره محوری برخه ده. د دولت حواکونه مطلق اکثریت د حزب اسلامی له مجاهدینو سره یو حای شویدی... (ما از جریان حوادث شمال استقبال و حمایت می‌کنیم. من باید همین‌قدر اضافه کنم که در این حوادث، مجاهدین حزب اسلامی نقش محوری دارند. اکثریت کامل قوای دولتی به نیروهای حزب اسلامی پیوسته‌اند.) وقتی یک خبرنگار پاکستانی از رهبر حزب اسلامی پرسید: «تاسو مخکنی پرس کنفرانس کی د سمت شمال له پیشو سره خپل مخالفت هرگند کړی وو. خو اوس مو له هغونه خپل پوره حمایت هرگند کړ. د دی وجه هه ده؟ (شما در کنفرانس مطبوعاتی قبلی خود مخالفت خود را با حوادث شمال اعلان کردید و حالا حمایت کامل خود را از آن حوادث ابراز داشتید. دلیل این (تناقض) چیست؟» حکمتیار پاسخ داد:

«تاسی خپل ریکارد وگوری چی ما پخپل مخکنی مطبوعاتی کنفرانس کی د شمال د حوادثو په هکله حه ویلی دی. شاید هلته حواب پیدا کړی.» (شما نوار خود را بنیید که ما در مورد حوادث شمال چه گفته‌ایم. شاید آن‌جا جواب پیدا کنید.) اما جالب و طنز تلخ روزگار این بود که جنرال

## از انقلاب بر گشت‌ناپذیر ۷ ثور تا انقلاب بر گشت‌پذیر ۸ ثور



عبدالرشید دوستم در این رابطه که توسط انجینر نسیم مهدی با حکمتیار تأمین رابطه کرد، صادق نبود و فقط با وی بازی می‌کرد. و از همه جالب‌تر این است که عبدالرشید دوستم از همان زمان تا اکنون طی ۲۴ سال به این‌گونه بازی در سیاست و تحولات سیاسی افغانستان که اغلب با موفقیت همراه است، ادامه می‌دهد.

**گفت‌وگوی مخابره‌ی احمدشاه مسعود و گلبدین حکمتیار**  
سقوط چاریکار مرکز ولایت پروان در ۲۴ حمل ۱۳۷۱ و یک روز بعد سقوط فرودگاه بگرام به‌دست احمدشاه مسعود که با همکاری مخالفان درون‌حزبی و دولتی نجیب‌الله صورت گرفت و سپس نشست عبدالرشید دوستم، عبدالعلی مزاری و قوماندانان مختلف ولایات شمال با احمدشاه مسعود در جبل السراج، گلبدین حکمتیار را متوجه پیام غیرصادقانه عبدالرشید دوستم کرد. او که سپس این نشست را ائتلاف نامقدس جبل‌السراج بر ضد اسلام و جهاد خواند، در صدد ترک پشاور و سفر به لوگر و اطراف کابل برآمد تا خود فرماندهی حمله بر کابل و فتح

ولسوالی‌های بلخ، خلم، حضرت سلطان سمنگان و آق‌تپه کندز را تصرف کردند.»  
اما چهار روز بعد که انجینر نسیم مهدی قوماندان حزب اسلامی در ولایت فاریاب با امیر حکمتیار ارتباط گرفت و از نقش محوری خود در فتح مزارشریف و ارتباط نزدیک خویش با جنرال عبدالرشید دوستم و پیام او سخن گفت، امیر حزب اسلامی موضع جدید خود را درست برخلاف موضع گذشته در مورد حوادث مزار ابراز کرد. نسیم مهدی از قول عبدالرشید دوستم به حکمتیار اطمینان داد که اگر امیر حزب اسلامی از مخالفت و بغات جنرال دوستم علیه حکومت نجیب‌الله حمایت کند، او و تمام نیروهای مخالف کابل به حزب اسلامی می‌پیوندند و دولت داکتر نجیب را به نفع حزب اسلامی سقوط می‌دهند. نسیم مهدی از حکمتیار خواست تا ضمن اعلان حمایت از جنرال دوستم، با نگاشتن نامه‌ی نیز او را از حمایت خود مطمئن سازد. گلبدین حکمتیار در حالی که برای جنرال دوستم نامه نوشت و در نامه از شورش او علیه دولت حمایت کرد و حرکت او را مدبرانه و جرأت‌مندانه خواند، بار دیگر در یک کنفرانس

#### محمداکرام اندیشمند

پاینتخت و گویا پیروزی جهاد و انقلاب اسلامی را به عهده بگیرد. او هنوز پشاور را ترک نکرده بود که با وساطت و میانجیگری قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی پاکستان که با حکمتیار روابط نزدیک و گرم داشت، گفت‌وگویی دوجانبه با احمدشاه مسعود از طریق مخابره صورت داد. این گفت‌وگو در دفتر کمیته نظامی جمعیت اسلامی افغانستان در منطقه چمکنی پشاور در حالی صورت گرفت که قاضی حسین احمد خود در پای مخابره نشسته بود. من که شاهد و سامع بخشی از این گفت‌وگوها بودم، وقتی صحبت‌های طرفین تند و تلخ می‌شد و خطر آن می‌رفت که طرفین از گفت‌وگو بپرهیزند، قاضی حسین احمد مداخله می‌کرد و هر دو طرف را به ادامه صحبت فرا می‌خواند. اما این گفتگو بی‌نتیجه پایان یافت. احمدشاه مسعود می‌خواست که حکمتیار اطمینان دهد که به کابل حمله نمی‌کند، اما حکمتیار به این حمله با این استدلال که کابل در تسلط کمونیست‌هاست، پافشاری می‌کرد.

وقتی احمدشاه مسعود از حکمتیار پرسید: «زمانی که این‌ها [حکومت حزب وطن] کاملاً تسلیم هستند که حکومت جهادی را بپذیرند و خودشان می‌گویند که حاضرند قدرت را بسپارند، در این صورت آیا ضرورت است که ما با سلاح وارد شویم، بازهم بگوییم که ما جنگ می‌کنیم و باید از طریق زور قدرت را بگیریم و قدرت را از پیش مردمی که تسلیم شده به زور بگیریم؟» حکمتیار در پاسخ گفت: «جمعیت می‌تواند این پالیسی را اختیار کند، بگوید عملیات درست نیست، دیگر مجاهدین نباید مسلحانه داخل کابل شوند. همین‌گپ درست است. جمعیت اگر وضع را به مصلحت می‌بیند، همین موقف را اختیار کند. ولی اگر ما به عنوان حزبی مستقل تصمیم دیگری را اختیار کنیم، این حق ماست. و ما این را ترجیح می‌دهیم که مجاهدین فاتحانه، سربلند با اسلحه خود وارد کابل شوند. هدف از وارد شدن به کابل با اسلحه این نیست که خدای نخواستند در کابل خون‌ریزی شود. ما هرگز نمی‌خواهیم یک قطره خون هم در کابل ریخته شود. ولی ما نمی‌خواهیم که در تاریخ مجاهدین نوشته شود که آن‌ها نتوانستند کابل را فتح کنند. از طریق ملل متحد قضیه‌شان حل شد. از طریق مداخلات بین‌المللی قضیه‌شان حل شد. ما می‌خواهیم در پایان تاریخ جهاد ما نوشته شود که مجاهدین سربلند، فاتح و با اسلحه خود و با شعارهای تکبیر در حالی که پرچم اسلام را برافراشته بودند، از چهار طرف وارد کابل شدند. ما همین را می‌خواهیم...»

#### موضع دولت پاکستان در روزهای سقوط حکومت نجیب‌الله

پاکستان از همان روزهای نخست شورش و بغاوت جنرالان در مزارشریف که دولت تحت ریاست نجیب‌الله در کابل را به سوی فروپاشی برد، سیاست دوگانه گرفت. از نظر پاکستان، نخستین شهرها و ولایاتی که باید دروازه سقوط کابل را به دست مجاهدین فراهم می‌کرد، جلال‌آباد، گردیز و لوگر بود. هرچند آن‌ها این تجربه ناکام را در جنگ جلال‌آباد با خود داشتند، اما چنین چیزی را به عنوان یک حق برای خود محفوظ می‌پنداشتند. حوادث و تحولات مزارشریف و سپس چاریکار و بگرام برای پاکستانی‌ها غیرقابل انتظار و شوک‌آور محسوب می‌شد. از این رو آن‌ها سیاست دوگانه در پیش گرفتند؛ به رفع اختلاف میان رهبران تنظیم‌ها به خصوص میان رهبران جمعیت اسلامی و حزب اسلامی کوشیدند تا بر سر تشکیل حکومت مشترک به توافق برسند، حتا نوازشریف صدراعظم پاکستان با جنرال جاوید ناصر رییس آی.اس.آی، روز مذاکره رهبران تنظیم‌ها در مورد توافق بر سر حکومت مشترک، به گورنرهاوس پشاور آمد. از طریق مخابره با گلبدین حکمتیار در جنوب کابل گفت‌وگو کرد و از او خواست به پشاور برگردد و وارد مذاکره با رهبران شود. اما جنرالان ارتش و استخبارات نظامی پاکستان، حمله حکمتیار بر کابل را الزامی می‌پنداشتند و او را به این حمله تشویق می‌کردند. پاکستانی‌ها سپس این سیاست و بازی دوگانه را در افغانستان ادامه دادند و تا اکنون ادامه می‌دهند.

#### تشکیل حکومت مجاهدین در پشاور برای تسلیم قدرت در کابل

احمدشاه مسعود به تشکیل حکومت از سوی رهبران تنظیم‌ها عجله داشت؛ زیرا با اعلان حکومت مجاهدین، تبلیغات و ستیزه‌جویی حکمتیار در مورد آن‌چه که از سوی رهبر حزب اسلامی، ائتلاف احمدشاه مسعود با پرچمی‌ها و ملیشایی عبدالرشید دوستم خوانده می‌شد، تضعیف و بی‌تأثیر می‌گردید. و از طرف دیگر، جنگ حکمتیار در روزهای آینده که اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آمد، جنگ با حکومت اسلامی احزاب مجاهدین تلقی و ارزیابی می‌شد.

## هشدار غنی به پاکستان:

# به شورای امنیت متوسل می شویم

(متن سخنرانی تاریخی رییس جمهور غنی در نشست فوق العاده شورای ملی)

۶ ثور ۱۳۹۵



بسم الله الرحمن الرحيم  
جلالتامان ابراهیمی صاحب، مسلمیار صاحب، دانش صاحب، قاضی القضاة صاحب، محترم پیر صاحب، خلیلی صاحب، دکابین محترم مرغ، د ملت استازو، دشورانو جرگی غرو، ژورنالستانو و وطنوالو السلام علیکم ورحمته الله وبرکاته!

در دو هفته ای که گذشت کشور ما شاهد رویدادهای مهم سیاسی و نظامی و یک حادثه هولناک تروریستی بود.

با تمام تلاش مردم و دولت ما برای ختم جنگ، باغیان این عصر به حمایت حامیان بیگانه شان بر طبل جنگ و شرارت کوبیده و کشتار مردم بی گناه ما را اعلام نمودند. بی خبر از این که قوای دلیر امنیتی و دفاعی ما مصممانه آماده اند در هر نقطه این مرز و بوم به سراغ شان رفته و با سرکوب قاطعانه آنان، از مال، جان و ناموس مردم خود دفاع کنند.

اعضای محترم مجلسین شورای ملی کشور، هفته قبل با آواز بلند با نشست در ارگ، هم صدای حکومت شدند و با حمایت قاطع از اقدامات آن در جنگ و صلح، پشتیبانی سیاسی قوی خود را از حکومت و نیروهای امنیتی کشور فراهم کردند. دقیقاً یک روز بعد از این همصدایی ملت ما طالبان شرارت پیشه با دست زدن به هولناک ترین جنایت غیر انسانی خود، هموطنان مظلوم ما را به خاک و خون کشانیدند. در اینجا به روح همه شهدای عزیز کشور، بخصوص شهدای حادثه تروریستی اخیر اتحاف دعا و برای آسیب دیدگان از آن حادثه شفای کامل آرزو می کنم.

### هموطنان گرفتار!

واقعاً روز سه شنبه کابل اولین نمایش این دست از جنایات این گروه نیست، روسیاهی شان در کشتار مردم بی گناه و سلب آزادی های مردم داستان بی انتهایی از قساوت و بی رحمی است که نه در دین مبین اسلام و نه در فرهنگ والای ملت و کشور ما مثال آن دیده شده است. آنان از ریختن خون مردم بی گناه به وجد می آیند و از پاره پاره شدن اجساد بی گناهان لذت می برند. اما برخلاف آن رویه خون آشامانه، تعداد بی شماری از فرزندان راستین این ملت در مدت کوتاهی به شفاخانه ها شتافتند و با اهدای میلیون ها سی سی خون در سراسر این کشور به هموطنان مجروح شان، اتحاد و همبستگی خود را نشان داده، و به این گروه تروریست نفرین گفتند. همان گونه که آگاه هستید دنیا به شمول جهان اسلام و مخصوصاً دولت شاهی عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران، ملل متحد، اکثریت کشورهای آسیایی، اروپایی و ایالات متحده امریکا، چین، جاپان، استرالیا، و کانادا نیز این جنایت تروریستان را نا بخشودنی خواندند، و آنان و حامیان شان با این کار بیش از گذشته در انزوا قرار گرفتند.

### خویندو او ورونو!

دغه جنایتکاران در علم طالبان نه دي، بلکې د افغانستان د اسلامي جمهوريت د مشروع دولت پر خلاف راپاڅېدلي باغيان او محاربان دي. واقعي طالبان خو په مدرسو کې سبق وايي او دغه کسان چې قتلونه کوي، چې د علم دښمنان دي او ان جو ماته رنگوي، حق نه لري، ځانونه طالبان وبولي. مونږ د قرآن کریم د صریح حکم مطابق حق لرو چې د باغيانو او محاربانو په مقابل کې له خپلو خلکو دفاع وکړو او باغيان په سزا ورسوو. په پېښور او کوټه کې د دې ډلې رهبري د داسې غلام صفتو او وطن دښمنو کسانو په لاس کې ده چې د خپلو وطنوالو ويني بهوي او د افغانستان د خلکو له بربادې او تباهي خوښه اخلي. له دوی سره د افغانستان د خلکو د خیر او خوشحالي لپاره هیڅ پروگرام نشته او نه دا فکر ورسره شته چې د خپلو وطنوالو ارزوگانو او غوښتنو ته احترام ولري. دوی په سیاسي تعامل کې خپله ناپوهي او بي لیاقتي ثابته کړې ده. زه د افغانستان له جیدو عالمانو خواهش کوم چې دغو جاهلانو او گمراهانو ته د حق لاره وښيي او له گمراهي یې راوباسي.

### عزتمنو حضارو،

زمونږ د ملت دښمنانو غوښتل چې د وپړې او وحشت په خپرولو سره د افغانستان دولت مجبور کړي چې اضطرابي حالت اعلام کړي، خو په دې نه پوهېدل او نه پوهېږي چې افغانان د وارخطا کېدو او مضطرب کېدلو خلک نه دي. د افغان روح اضطراب نه مني او مونږ به هېڅوخت هغه ازادې، محدودې نه کړو چې خپل اساسي قانون راکړې دي.

### نماینده های محترم ملت!

من لیست ۲۴ فقره ای موضوعات شما را دریافت کردم، به برخی از آنها که مهمتر است در این جا می پردازم، و برخی دیگر را می گذارم به نشست های ماهانه ای که در آینده در ارگ خواهیم داشت.

من امروز به خانه ملت عالی ترین تربیون در افغانستان، آمده ام تا این را با شما و ملت سربلند خود در میان

بین المللی، منطقه ای، و مافیای مواد مخدر ایتلاف نموده و تلاش می کنند تا مردم و کشور ما را یکبار دیگر به دوران سیاه تاریخ باز گردانند، باید ما، همه، یکپارچه و متحد در مقابل آنان بایستیم. تاریخ شاهد است که هر گاه ما توانستیم اتحاد خود را حفظ کنیم، قدرتمندترین اردوهای جنگی جهان نیز در برابر ما به زانو در آمده اند.

برای دفاع از دین، وطن، و ارزش های قانون اساسی کشور، لازم است که یکدل و یکصدا وحدت خود را در فکر و عمل به تبارز بگذاریم. به این دلیل، کسانی که به این وحدت لطمه می زنند و در عین قرار داشتن در متن نظام و حکومت، و با استفاده از منابع آن، اب در اسباب دشمن می ریزند، و به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در جنگ روانی با دشمنان این آب و خاک همسو می شوند، در مورد آنان ارفاق و مصلحت بیشتر صورت نخواهد گرفت.

تقاضای من از شما نمایندگان ملت و مشران مملکت اینست که این دسپلین اخلاقی را تعریف نموده و حدود آنرا شما قانونیت ببخشید، تا در روشنی این اصول، موفقانه تر به جنگ روانی دشمن پاسخ بدهیم. در نشست چند روز قبل تان با من در ارگ، شما تقاضای وضاحت بیشتر در تعریف دوست و دشمن را از من داشتید.

دوستان افغانستان همه شهروندان کشور اعم از طرفداران نظام، بی طرفان و اپوزیسیون سیاسی حکومتند که دارای دیدگاه و مواضع مختلف سیاسی هستند، اما به منافع علیای ملی پایبندی دارند و در حد توان خود از آن حفاظت و حراست می کنند.

دشمنان افغانستان آنانی اند که از احساسات پاک مذهبی جوانان ما سوء استفاده می کنند و خود شان بخشی از مافیای مواد مخدر بوده، و از این راه به ثروت اندوزی و عشرت مشغولند.

دشمنان افغانستان عبارت اند از گروه های اجیر خارجی مانند داعش، القاعده و گروه های آدم کش حقانی و برخی از طالبان که از ریختن خون هموطنان خود لذت می برند و به جنگ و دهشت افگنی ادامه می دهند. با این تفاوت که هیچ راهی به گفتگو با اجیران خارجی وجود ندارد. اما؛ ما دروازه گفتگو را برای آشتی با آن عده از گروه های طالبان که حاضرند برای توقف خونریزی و بازگشت صلح و ثبات به وطن شان همکاری کنند هنوز باز گذاشته ایم، هر چند این فرصت برای همیشه نخواهد بود.

### نمایندگان محترم ملت و حضار گرامی!

تلاش ما برای ایجاد میکانیزم های موثر بین المللی به خاطر پایان بخشیدن به جنگ و رسیدن به اجماع بین المللی در خصوص خواست های بر حق ملت مان موثر بوده است. میکانیزم گفتگوهای چهارجانبه با همه مشکلاتی که تا کنون با آن روبرو بوده است، بستر مناسبی را برای درک بهتر از برحق بودن خواست های مردم و دولت ما، در جهت یافتن یک راه حل سیاسی ایجاد کرده است. در نتیجه این تلاشها و داشتن دیپلماسی فعال بود که امروز از روابط فشرده و توأم با اعتماد با شرکای مهم بین المللی خود در منطقه و جهان بشمول کشور های عمده اسلامی مانند عربستان سعودی و ایران برخوردار هستیم. کسانی که از عمل به تعهدات خود در این چهار چوب بین المللی ناکام مانده و یا نخواهند بدان عمل کنند، آنان امروز بیشتر از پیش به انزوا کشانیده شده اند.

در گفتگوهای چهار جانبه، پاکستان کتبا تعهد کرده بود تا در صورتیکه عناصری از طالبان مسیر سیاسی ختم جنگ را انتخاب نکنند، در مقابل آنها از قوه نظامی استفاده خواهد کرد.

نن غورام دا خبره واضح کرم چې موږ له پاکستانه دا توقع نه لرو چې طالبان دې خبرو ته راولي. خو له پاکستانیانو غواړو چې په څلور اړخیزه توافقنامه کې په خپلو ژمنو ودرېږي او د هغو کسانو په خلاف نظامي عملیات وکړي چې زموږ د امنیتي ادارو او زموږ د بین المللي همکارانو د استخباراتي معلوماتو په اساس او پخپله د پاکستاني مقاماتو په قول، مرکزونه یې په پاکستان کې دي او رهبران یې په پاکستان کې اوسي. دغه راز له پاکستانه توقع لرو چې که په خپله خاوره کې د دغو جنایتکارانو په خلاف نظامي عملیات نه کوي، نو لطفا دې یې زموږ شرعي محکمو ته راوسپاري چې د خپلو عملونو سزا وويني.

مناسبات ما با پاکستان در چارچوب حقوق و وجایب متقابل دو دولت تنظیم می گردد. توقع ما از کشور همسایه ما پاکستان این است، و جهان نیز در این امر با ما همصدا است، که آن کشور در مورد مقابله با افراطگرایی و تروریسم از منطق تروریست خوب و تروریست بد عبور کند، یعنی تروریست خوب و بد وجود ندارد و همه...

لوی ۷۷۷ قوت های خاص هوایی، مرکز سوق و اداره واحد قوماندانی گارنیزون کابل که جناب لوی درستیز صاحب رهبری شانرا می کنند و از آنها تشکر، شفاخانه ساحوی قول اردوی ۲۱۵، مدیریت تخنیک و حفظ مراقبت در سطح قول اردو ها و لوا ها، مرکز ارزیابی تهدیدات استخباراتی، مرکز کشف رادیویی از جمله واحدهای جدیدی اند که به ترکیب قوای امنیتی ما افزوده شده اند.

### قدرمنو حضارو،

تېر کال مو چې محدود هيلي کاپتر او محدودې طيارې لرلې، د هيواد د هوايي ځواک بيارغاونه پيل شوه او دا دی اوس زموږ هوايي قوه دومره فعاله شوې ده چې د هيواد په ډېرو سختو غرنيو سيمو لکه خوستک او کوهستاني سيمو کې هم دښمن ته ځان رسوي او د اسماني تندر غوندي ورباندې وړېږي.

د اداري د سوق مرکز چې تېر کال مو تاسيس کړ، د هماهنگي او تصميم نيولو په تر ټولو موثر مرکز بدل شوی دی. زموږ استخباراتي قابليتونه په مختلفو سطحو کې زيات شوي دي.

د هيواد تر اتيا (۸۰) زياتو جنرالانو قدرداني وشوه او د کبر سن په علت تقاعد شول، خو په دې ډول ځوان او تازه دمه نسل ته لاره پرانیستل شي او زموږ اردو لا ځوانه او قوي شي. په دې برخه کې د اصلاحاتو بهير همدغه شان روان دی.

نن ورځ زموږ دفاعي او امنيتي قوتونه د ځينو اسلامي هيوادونو، د چين ولسي جمهوريت، د روسيې، د آسټراليا، جاپان، کاناډا، د هند او د ناټو د غړيو په شمول، د بين المللي شريکانو له ملاتړ او حمايته برخورداره دي او په دې خوشحاله يو چې زموږ د دفاعي او امنيتي قوتونو د حمايت لپاره د يو پنځه کلن امنيتي پلان په باب د بين المللي تمویل کوونکو اجماع رامنځ ته شوې ده. دغه پلان به په نژدې وختونو کې په وارسا کې نهايي بڼه خپله کړي او مخکې له هغه به بيا هم تاسو سره په ارگ کې ورباندې وغږېږو. دغه انسجام د امنیت شورا د غړو په خاص توگه د محترم اتمر صاحب او محترم ستانکزي صاحب د کوشش نتيجه ده دلته غورام دوی نه مننه وکړم.

قدرمنو وکیل صاحبانو او سناتور صاحبانو، تر اتلونکو خو ورځو پورې به د دفاع وزیر او د ملي امنیت رئیس تاسې ته معرفي شي چې هیله ده همکاری وکړئ او په دې ډول دغه خلا هم ډکه شي. سرپرستي به نوره نه کوو، ستاسو اواز مو اورېدلی.

### نمایندگان محترم ملت!

از آن جایی که شبکه حقانی و گروههایی از طالبان پیش قراولان منافع کشورهای دیگرند و با تروریستان

بگذارم که در سال گذشته ما از هیچ تلاشی برای پایان دادن مسالمت آمیز به خشونت ها در کشور دریغ نکردیم. در عین حال تلاش نمودیم تا از مردم خود در مقابل جنگ اعلام نشده دفاع نماییم، و تقویت نیروهای امنیتی و دفاعی خود را به صورت پیوسته و مستمر به پیش ببریم. ما همچنان این اجماع را در میان شرکای بین المللی خود به وجود آوردیم که این جنگ یک جنگ داخلی نیست، بلکه جنگی است که تروریستان و حامیان منطقه بی شان علیه کشور و ملت ما به راه انداخته اند، تا به اهداف شومی دست پیدا کنند که تنها از طریق وحشت و ترور به آن خواهند رسید.

ما برای پایان بخشیدن به جنگ از راه های غیر نظامی، در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی، اتمام حجت کردیم و همزمان با شناختی که از راه و روش گروه های تروریستی داشتیم بدون هیچگونه فوت وقت به آمادگی های لازم جنگی نیز پرداختیم.

در سیزده ماه گذشته نیروهای شجاع امنیتی و دفاعی کشور به تعداد بیشتر از ۴۰ هزار وظیفه محاروبی و بیشتر از ۱۶ هزار عملیات قاطع را در نقاط مختلف کشور انجام داده اند. همین اکنون که ما در این تالار بزرگ حضور داریم فرزندان دلیر کشور در بیشتر از ۷ ولایت از طروق ۱۵ عملیات نظامی مشغول سرکوب تروریستان شبکه حقانی، طالبان و گروه های دهشت افکن هستند. قابلیت رزمی نیروهای امنیتی و دفاعی جوان تان بصورت غیر قابل مقایسه با گذشته افزایش یافته است. نزدیک به ۵۰ هزار خانواده وطن دوست ما فرزندان خود را، دختر و پسر، تنها در کمتر از یک سال، برای پیوستن به صفوف قوای امنیتی و دفاعی کشور، به خدمت عسکری فرستاده اند، تشکر از فامیل های وطن دوست و از هر مادر و پدر که این چنین اولاد به دنیا آورده اند. استقبال از قوای دفاعی و امنیتی ما چنان بوده است که حتی زنان خانه دار در مناطق مختلفی از کشور، در هنگام درگیری شان با دشمن، به سربازان ما رضاکارانه نان و غذا رساندند. زنان با عفت این سرزمین شلاق ستم آن جاهلان را هنوز به یاد دارند و چنان گروهی را به هیچ صورت قابل تحمل نمی دانند.

بر اساس نیازهای امنیتی کشور و تجارب به دست آمده در سال گذشته، یک فرقه در کندز و یک لوا در بدخشان تاسیس کردیم. برای بالا بردن سطح هماهنگی قطعات خاص، که فداکاری و شهامت شان قابل افتخار است، معاونیت پلانگذاری قوای خاص را نیز ایجاد کرده ایم.

ریاست های اسلحه و تخنیک و توپچی، هم چنان

**بخش نخست**

در سنت‌های ادویته و دانتایی در درون آیین هندو، نظم ایجاد شده زمان و مکان، امری توهمی [۴] فرض گرفته می‌شود. مطابق این دیدگاه، یهودیت، مسیحیت و اسلام ممکن است بر لبه نوعی از دوگانه‌انگاری [۵] فرض گردند. به علاوه، حقیقت غایی در این سنت هندویی، فراسوی شکل‌پذیری است، و بنابراین به‌سختی شخص‌وار [۶] یا کاملاً خداپاورانه [۷] است. به علاوه، در عین حال، سنت‌های درون آیین هندو، باهم تفاوت می‌کنند.

برخی از جریانات در درون آیین هندو، برای مثال در بخش‌هایی از بهاگود گیتا، لوهیت را به عنوان امری شخص‌وار، خیر مطلق و مهربان فرض می‌کنند. در حالی که در همین آیین ممکن است به نوعی از چند خداپاوری [۸] در برخی از سنت‌های دینی محبوب هندی اشاره گردد. هم‌چنین یک مفهومی از سلسله‌مراتب سه جزئی از برهما، یا خدای خالق؛ ویشنو، یا خدای پشینیان؛ و شیوا، یا خدای تخریب‌گر وجود دارد. به علاوه، آیین سیک در قرن شانزدهم تلاش کرده است تا زمینه‌های مشترکی را بین هندوها و مسلمانان تقویت کند.

آیین بودا نیز به نظر می‌رسد که درباره «خداپاوری» حالتی نامعلوم داشته باشد، به‌ویژه به‌خاطر سنت‌های مختلفی که در درون این آیین وجود دارد. بیشتر بودایی‌های مهایانه‌یی بر این اعتقادند که «پیکره - درمه‌ی بودا (یا درمه‌ کیه)» [۹] حقیقت نهایی است. در این وضعیت چنین سنتی به نوعی از یگانگی [۱۰]، یا حتا به شکلی مبرهن به نوعی از خداپاوری اصلاح‌شده نزدیک می‌گردد. به علاوه در چنین سنت‌هایی، غیبت یک خود [۱۱] حقیقتاً پایا و تأکید بر چرخه بازاد [۱۲]، چنین ادیانی را از بیشتر ادیان «ابراهیمی» متمایز می‌کند.

تا چه اندازه ما می‌توانیم نوعی از «پدیدارشناسی» دین را فرض کنیم؟ اگر یکی از نشانه‌های دگرگونی عموماً فرهنگی و عقلانی در اواسط قرن بیستم، از شک به تعمیم‌های ناروا صورت گرفت، دیگری از بازشناخت این‌که تعدادی از تعاریف دین از قرن نوزدهم به این سمت، علی‌رغم برخی از ادعاهای مخالف آن، حقیقتاً بدون بار ارزشی بودند، ظاهر گشت. ویتگنشتاین از شاخه زین فریزر انتقاد کرده است به‌خاطر این‌که آن تفاسیری [۱۳] از باورها و آداب دیگر فرهنگ‌ها و دیگر ادیان ارایه می‌کند، مثل این‌که این‌ها توسط «مردانی مورد عمل قرار گرفته است که مانند خودش فکر می‌کنند». هم‌چنین فریزر به‌راحتی آن‌ها را به نحوی «تفسیر کرده است» تا آن‌ها را اموری «احمقانه» جلوه دهد؛ زیرا او آن‌ها را از متن زنده‌گانی‌یی که آن‌ها را معقول ساخته، جدا کرده است. گرچه او خودش را به عنوان فردی «دینی» ملاحظه نکرده، اما ویتگنشتاین، فریزر را به نوعی از «کوته‌فکری در زنده‌گی معنوی» متهم کرده است که همین کوته‌فکری در مشاهدات فرضاً بدون بار ارزشی او رخنه کرده است. حقیقتاً چنین دیدگاه‌هایی از روشن‌فکر سفیدپوست و مذکر اواخر قرن نوزدهم برمی‌آید.

این انتقاد به شکلی آشکار برای آن دسته از نویسندگان (که اکثراً پیرامون سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۹) «خاستگاه‌ها و ماهیت دین» را از طریق لنزهای پیشرفت‌خواهانه تکاملی قرن نوزدهم مشاهده می‌کنند، کاربرد دارد. یکی از نمونه‌های شناخته شده عبارت است از نظریه تکاملی ای. بی. نیلر، کسی که بر این اعتقاد بود که همه ادیان از نوعی از جاندار پنداری [۱۴] اولیه، و پریشانی‌های ناسنجیده‌یی بین حقیقت رویاها و حقیقت بیداری ناشی شده‌اند.



# دین و تجربه دینی

نویسنده: آنتونی تایلتن (۱۹۳۷)  
برگردان: بهنام خداپناه

بدون بار ارزشی باشیم و در نتیجه، فهمی فاقد بار ارزشی را به حال خود واگذار می‌کنیم. شیوه‌های هرمنوتیکی ممکن است که کارساز باشند. اما مطالعات خیلی قدیمی‌تر در این زمینه ناکام بوده‌اند تا از یک‌سان کردن نابه‌نگام «امر دیگری» در ادیان با افق‌های [نظری] پژوهش‌گر، خواه آن افق‌ها مبتنی بر نوعی از سکولاریسم مدرن بوده باشند یا مبتنی بر دینی خاص، اجتناب کنند. به عنوان نمونه، ما در ادامه انتقادهای برنده‌یی به جی. جی فریزر که توسط ویتگنشتاین متأخر تنظیم شده است را ذکر می‌کنیم.

سوم این‌که، مخصوصاً در اندیشه پست‌مدرن این دیدگاه که ادیان با مقاصد خاص قدرت اجتماعی به‌کار گرفته شده‌اند، برخی‌ها را بدان سمت رهنمون کرده است که مشی جامعه‌شناسانه یا «نقد ایدیولوژیکی» [۲] را به جای مشی‌های فلسفی‌تر یا الهیاتی جایگزین کنند.

آیا تلاش‌هایی برای یافتن «تعریفی مشترک از دین» سبب پایه‌گذاری مسایلی از قبیل کثرت‌گرایی، گوناگونی و تک‌باشده‌گی [۳] (تفرد) می‌گردد؟

درحالی که در سه دین بزرگ «ابراهیمی»، رابطه بین خدا و آفرینش خیلی مهم است،

تا نزدیکی اواسط قرن بیستم، تعدادی از رساله‌ها درباره فلسفه دین با بخشی زیر چنین عنوانی یعنی «تعاریف دین» شروع شده بود. پیچیده‌گی و دشواری تلاش برای چنین وظیفه‌یی، به شکلی افزون در اواخر قرن بیستم به رسمیت شناخته شد. دست‌کم سه گونه دشواری در تفکر اواخر مدرنیته و دوره پست‌مدرن ملاحظه گردیده است.

اولین عامل عبارت بوده است از فهمی روبه رشد از گوناگونی و کثرت‌گرایی، و عکس‌العمل در برابر تعمیمی خیلی ساده. در فلسفه، عمل‌کرد ویتگنشتاین دوم و فلسفه تحلیلی، چنین تأکیدی را با دقت زیادی دنبال کرده‌اند.

چه خصوصیات مشترکی - اگر اصلاً چنین خصوصیاتی وجود داشته باشد - ممکن است نه تنها بین سنت‌های «ابراهیمی» [۱] از قبیل یهودیت، مسیحیت و اسلام (که به نظر نمی‌رسد پرسشی غیرممکن برای طرح کردن باشد)، بلکه هم‌چنین بین آیین هندو، آیین بودا، آیین کنفوسیوس، آیین تائو، آیین سیک، آیین شینتو، و ادیان قبیله‌یی یا بومی وجود داشته باشد؟

دومین دشواری از بازشناسی این امر ناشی می‌شود که دشوار به نظر می‌رسد که ما تا آن حدی پیش برویم که نیازمند معرفتی

**بخش نخست**

حتماً شما هم بسیاری از مردهایی را که درست چندماه بعد از ازدواج، خسته و ناامید می‌شوند و مدام از تصمیم‌شان ابراز پشیمانی می‌کنند را دیده‌اید. شاید با دیدن چنین مردهایی، حتا نسبت به تصمیم ازدواج خودتان هم تردید کنید و یا از این‌که همسر آینده شما هم به هیولایی که آن‌ها از آن صحبت می‌کنند تبدیل شود، دچار ترس و اضطراب شوید. اما بهتر است به جای این‌که نقش مردهای ضعیف را بازی کنید و با ترس‌های بیهوده زنده‌گی‌تان را به بازی بگیرید، با دنیای زنانه بیشتر آشنا شوید. اگر شما دنیای زنان را خوب بشناسید، دیگر نه او شما را آزار خواهد داد و نه شما به هیولای زنده‌گی همسرتان تبدیل خواهید شد.

**دایرة‌المعارف باشید**

اگر می‌خواهید ازدواج موفق‌ی داشته باشید، باید تحقیقات‌تان را از سال‌ها قبل آغاز کنید. مادر، خواهران، خاله‌ها و عمه‌ها هم می‌توانند منابع خوبی برای تکمیل شناخت شما از زنان باشند و با ریزبینی می‌توانید رفتار آن‌ها را مورد بررسی قرار دهید. ببینید چه چیزهایی اکثر آن‌ها را آزار می‌دهد و چه رفتارهایی خوشحال‌شان می‌کند. خجالت نکشید! اگر ابهام یا سوالی دارید، از آن‌ها بپرسید و اطلاعات‌تان را تکمیل کنید. شاید باور نکنید، اما زمانی که ازدواج می‌کنید این اطلاعات می‌توانند زنده‌گی‌تان را نجات دهند. شاید آدم‌ها در برخی ریزه‌کاری‌های رفتاری و شخصیتی با هم تفاوت داشته باشند، اما واقعیت این است که ویژه‌گی‌های شبیه به هم بسیاری دارند و اگر یکی را بشناسید، موفقیت بیشتری در شناختن دیگری خواهید داشت.

**گوش کنید و توجه کنید**

شاید ندانید که چه‌طور می‌توانید یک زن را عاشق خود کنید و همیشه او را عاشق نگه دارید، اما این اتفاق یک کلید دارد؛ تا زمانی که همسرتان توجه شما نسبت به خودش را می‌بیند، عاشق شما می‌ماند و در زنده‌گی، احساس امنیت می‌کند. یکی از مهم‌ترین و البته آسان‌ترین راه‌های نشان دادن این توجه، گوش کردن است. قبلاً هم گفتیم که زنان دوست دارند شنیده شوند، اما راه‌های دیگری هم وجود دارد. از نظر خیلی از زن‌ها، توجه به ریزه‌کاری‌های زنده‌گی و مشکلات مالی، یکی از نشانه‌های توجه و البته قدرت مردانه است. اگر دوست دارید این ۲ حس را در او هم بیدار کنید، باید مراقب اتفاقاتی که در زنده‌گی‌تان می‌افتد، باشید و با پیش‌بینی کردن اغلب آن‌ها، به همسرتان این اطمینان را بدهید که تحت حمایت و البته توجه شما قرار دارد.

**در چشم او نگاه کنید**

یکی از مهم‌ترین کارهایی که زنان را آرام می‌کند، این است که همسرشان موقعیت و شرایط‌شان را درک کند. وقتی می‌خواهید در مورد او قضاوت کنید، اول تلاش کنید که دنیا را از چشم یک زن ببینید. برای انجام این کار باید به مرحله اول برگردید و از شناختی که پیش از این در مورد زنان به‌دست آورده‌اید، استفاده کنید. اگر شما با بعضی اتفاقات ناخوشایندی که زنان به لحاظ جسمی و اجتماعی با آن روبه‌رو هستند و مشکلاتی که به همین دلایل پشت سر می‌گذارند آشنا باشید، بهتر می‌توانید به همسرتان کمک کنید و در شرایط سخت در تصمیم‌گیری‌ها کمک‌ش کنید.

## اگر می‌خواهید

## از زنان

## خسته

## نشوید!



مهران موحد



# در باب بی‌سوادی استاد برتر دانشگاه کابل

یک نخود کله و صد من دستار این کم و بیش چه معنا دارد؟

در این روزها از روی اتفاق، کتاب ۳۳۵ صفحه‌ی نصرالله استانکزی، استاد نامدار دانشگاه کابل را که آن را برای دانشکده‌های شرعیات و حقوق دانشگاه کابل نوشته و «اصول محاکمات مدنی» نام دارد، توزیع کردم. کتاب یاد شده به قول آقای استانکزی «به عنوان اثر اصلی ترفیع به رتبه پوهنوالی تألیف گردیده» و لامحاله از نظر مسؤولان دانشگاه کابل، کتاب بااهمیت و درخور درنگی تلقی شده است.

«اصول محاکمات مدنی» استانکزی به شدت گرفتار تعقید لفظی و معنوی است و با نثری بسیار سخیف و ضعیف و نامفهوم نوشته شده است. مهدی جامی در باب این‌گونه قلم‌فرسایی‌ها در جایی نوشته بود: «بیماری است این! بیماری فکری که در زبان خود را نشان می‌دهد. خاص آدم‌هایی که حرفی برای زدن ندارند و خواندن کتاب‌های سوپرمدرن ذهن‌شان را پریشان کرده است.» (اگرچه من به جد معتقدم که نصرالله استانکزی تا هنوز از مرحله پداوت قبلیه‌ی فراتر پای نمانده، چه رسد به این که ذهنش درگیر متن‌های سوپرمدرن شده باشد).

معلوم نیست که دانشجویان دانشکده‌های حقوق و شرعیات با خواندن این قبیل کتاب‌ها چه چیزی دست‌گیرشان خواهد شد. آیا در کل دانشگاه کابل، کسانی یافت نمی‌شده‌اند که ویرایش زبانی و فنی این کتاب را برعهده می‌گرفته‌اند؟ چه‌طور دانشگاه کابل به خود این اجازه را داده که این کتاب را که به شدت پیچیده و مبهم و نامفهوم نوشته شده، به خورد مخاطبان بدهد و دانشجویان را مجبور کند که آن را به عنوان کتاب درسی فرابگیرند و امتحان هم پس بدهند؟ آیا دانشگاه کابل به دارالجهل، تغییر ماهیت داده است؟ (وقتی شخص نادان و کم‌سوادی همانند نصرالله استانکزی، استاد برتر و کلان‌کار دانشگاه کابل باشد، معنایش این است که فاتحه این نهاد مهم تحصیلی را باید خواند).

در فضای فرهنگی و دانشگاهی سرزمین ما کم نیستند آدم‌هایی که تلاش می‌ورزند حرف‌های نامفهوم و درهم و برهم، تحویل مخاطبان خود بدهند تا بلند بودن مرتبت علمی‌شان را به رخ دیگران بکشند. نصرالله استانکزی

هم از همین قبیل آدم‌هاست. معلوم نیست در دانشگاه کابل بر چه اساسی استادان را مفتخر به دریافت رتبه‌های علمی می‌کنند؟ آیا استانکزی کم‌سواد و بی‌مایه سزاوار آن است که به رتبه علمی پوهنوالی دست پیدا کند، آن‌هم با نوشتن کتاب مزخرف «اصول محاکمات مدنی»؟ (خیر شدم که استانکزی فعلاً پوهندوی است که مبارک‌شان باشد!).

پُرشماری استادانی در دانشگاه کابل و در دیگر نهادهای تحصیلی کشور که به منظور این‌که رتبه‌های علمی را یکی پی دیگری به آسانی به دست بیاورند، شروع می‌کنند به کتاب‌سازی و استفاده بهینه از تکنولوژی کاپی‌پیست! بسیاری از کتاب‌ها و چپترهای درسی در دانشگاه کابل، کپی‌پیست شده از کتاب‌های فارسی چاپ ایران است.

نمونه‌هایی از نثر عینناک و معقد و غیر قابل فهم نصرالله استانکزی را در ذیل می‌آورم. قابل یادآوری است که نمونه‌هایی را که در این‌جا می‌آورم، فقط مربوط به بخش کوچکی از این کتاب می‌شود. اگر بخواهیم همه کتاب را مورد بررسی و موشکافی ریزبینانه قرار دهیم، «صد سال می‌توان سخن از زلف یار گفت»:

۱- در نخستین پاراگراف اثر مزبور، ذیل عنوان «پیش‌گفتار» چنین آمده است: «اصول محاکمات در مجموع قواعد شکلی اند که به منظور تحقق قواعد متنی در عمل از یکسو، و ازسوی دیگر به منظور رسیدن متصدیان عدالت و صاحبان حق در کنار قوانین متنی وضع و اجراء می‌گردند.» از این‌گونه

عبارت‌ها به وفرت در «اصول محاکمات مدنی» دیده می‌شود. ۲- در جای دیگری آمده است: «دین مقدس اسلام که از بزرگترین، کاملترین و عالیترین ادیان سماوی بشمار می‌رود، در تعلیمات



وارشادات جاویدان خویش بدین امر دعوت کرده، از محتوای متون، ارشادات و پرنسیپ‌های آن بوضاحت فهمیده می‌شود که هدف نهائی و غائی ارگان قضاء در یک جامعه فقط تأمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از انارشیزم و لجام گسیختگی‌ها است، پس چگونگی رشد و انکشاف همه جانبه زندگی اجتماعی بانحوه قضاوت و سیستم اداری یک جامعه رابطه مستقیم دارد، بهر پیمانۀ ایکه دستگاه قضائی یک جامعه میراء از فساد باشد بهمان اندازه سعادت و خوشبختی سراغ جامعه مذکور آمده و در نتیجه فلسفه و غایه این ارگان تحقق می‌پذیرد.» (ص ۱۵، اصول محاکمات مدنی).

به نظر شما صدر و ذیل این عبارت طولانی و درهم و برهم چه ربطی با هم دارند؟ آیا نصرالله استانکزی حتا نمی‌تواند مثل یک آدم معمولی حرف بزند و صغرا و کبرا بچیند؟

۳- نمونه دیگری از این بدنویسی‌های تهوع‌آور را در زیر می‌آورم: «بعد از آنکه دلایل طرفین ارائه و وضاحت لازم بمیان آمد و محکمه بادلایل ارائه شده زمینه متن حکم را مساعد ساخت به اصدار حکم می‌پردازد، زیرا اصل محاکماتی "محکمه حکم خود را متکی و مستند به دلایلی که متداعیین ارائه نموده اند و تجاوز متنی قانون صادر نماید" است که محکمه برای اصدار حکم باید مدارک و اسناد پیدا کند و این اسناد مربوط می‌شود به دلایل ارائه شده طرفین، زیرا بدون دلیل محکمه نمی‌تواند حکم خود را به عقیده و دلایل خویش متکی سازد، که در آنصورت حکم قاضی در مرحله مراجعوسوی احتمال نقض و بطلان را دارد (ص ۲۴، همان منبع).

۴- «این ارگان درابتداء متخلفین را به اساس تعامل جاریه محیطی اصول محاکمات مدنی سرزنش، اصل انتقام جوئی، خودخواهی و جبران بالمثل را مجازات می‌کرد و خاصتاً این اصل را در مقابل خارجی‌ان و اجانب تطبیق مینمود، ولی بعداً که منازعات تداوم یافت، تمیل جزا برمتخلف داخلی نیز که قبلاً امر خصوصی پنداشته می‌شد، ضرورت پیدا می‌کند و بدین ترتیب اصل انتقام جوئی و خونخواهی، و تطبیق جزاء بالای متخلف نیز لازمی گردید.» (ص ۲۶، همان).

۵- در کشور ما تا سال ۱۳۳۵ قانون اصول محاکمات مدنی وجود نداشت، تا این سال محاکم برای پیشبرد دعوی و رسیدگی به قضایای متنازع فیه از کتب فقهی مثل کتاب الدعوی البنیات، و کتاب القضا معین الحکام و غیره استفاده می‌کردند (ص ۲۷، همان).

## وضعیت آشفته دانشگاه کابل

حکایت دانشگاه کابل، حکایت غم‌انگیزی است. دانشگاه کابل، قدیمی‌تر از دانشگاه تهران است، اما به دلیل جنگ‌ها و آشفته‌گی‌های چند دهه پسین و نیز به جهت بی‌کفایتی‌های مسؤولان این دانشگاه تا هنوز نتوانسته به عنوان نهادی مدرن قد علم کند و در زمینه تولید علم نقشی ایفا نماید. این دانشگاه تا هنوز هنوز از تحولات علمی جهانی بی‌خبر است و همچون گذشته شیوه‌های کهن را تلقین و تکرار می‌کند.

وظیفه دانشگاه مجبور ساختن دانشجویان به حفظ و تکرار مسایلی نیست که در چپترهای کپی‌پیست شده گردآوری گردیده است. رسالت اصلی دانشگاه، تولید دانش و ترویج و تشویق خلاقیت و ابداع و ابتکار است که دریغ‌مندانه این کار در این دانشگاه به مثابه سیم‌غ شیخ عطار، نایاب است.

دانشگاه کابل به خانه‌تکانی اساسی نیاز دارد. باید خون تازه‌یی در رگ‌های این نهاد علمی مهم کشور جاری ساخته شود و باید تلاش صورت گیرد که استادان مجرب و کارکشته و فهیم - بدون توجه به سلاقی شخصی و گروهی - استخدام شوند. فعلاً بسیاری از استادان این دانشگاه کمیت‌شان حتا در عرصه خواند و نوشت لنگ است، چه رسد به عرصه تحقیق و تدریس.

مدیریت این دانشگاه به آفت مافیایی شدن مبتلا شده است. سیستم اداری دانشگاه کابل (و احتمالاً دیگر دانشگاه‌های افغانستان) طوری راه‌اندازی شده که فرصت را برای جذب استعدادها برتر از بین می‌برد. معمولاً آن‌هایی که به عنوان استاد یا تصمیم‌گیرنده در دانشگاه کابل ایفای وظیفه می‌کنند، خوش‌شان نمی‌آید که استادانی وارد این دانشگاه شوند که یک سر و گردن از آن‌ها بالاتر باشند و این امر، باعث گردیده که سطح علمی این دانشگاه، تکانی نخورد و به همان حالت زار و نزار گذشته باقی بماند و دانشجویان هم ناگزیر باشند که حرف‌های کهنه و تکراری را بشنوند و بخوانند و تکرار کنند.

یکی از مشکلات کلانی که دانشگاه کابل با آن دست و پنجه نرم می‌کند، حضور قدرتمند اندیشه‌های بنیادگرایانه مذهبی و سیاسی در فضای این نهاد علمی است. چند روز پیش یکی از استادان دانشگاه کابل به نام مولوی معروف راسخ از سوی امنیت ملی به اتهام تشویق دانشجویان به پیوستن به گروه‌های تروریستی بازداشت شد. متأسفانه دانشگاه کابل و دیگر دانشگاه‌های افغانستان در سال‌های پسین از قرائت‌های خشن و رادیکال از اسلام به خوبی میزبانی کرده است. برخی از استادان دانشگاه کابل به صراحت از طالبان و حزب التحریر و داعش به دفاع جانانه می‌پردازند. دلیل عمده رشد این‌گونه اندیشه‌ها در دانشگاه کابل، نبود یا کمبود آگاهی کامل دینی و غیردینی در این نهاد است. وقتی در فضایی آگاهی کمیاب باشد، مردم ناگزیر می‌شوند به آگاهی‌های کاذب روی بیاورند و با خردورزی و عقلانیت وداع بگویند.

<b>دانشگاه کابل و دیگر دانشگاه‌های افغانستان</b>
<b>در سال‌های پسین از قرائت‌های خشن و رادیکال از اسلام به خوبی میزبانی کرده است. برخی از استادان دانشگاه کابل به صراحت از طالبان و حزب التحریر و داعش به دفاع جانانه می‌پردازند. دلیل عمده رشد این‌گونه اندیشه‌ها در دانشگاه کابل، نبود یا کمبود آگاهی کامل دینی و غیردینی در این نهاد است. وقتی در فضایی آگاهی کمیاب باشد، مردم ناگزیر می‌شوند به آگاهی‌های کاذب روی بیاورند و با خردورزی و عقلانیت وداع بگویند.</b>

# پروان در کشاکش دشواری و شکوفایی



زیبیر رضوان

شاهراه کابل-پروان روزانه شاهد رفت و آمد صدها هزار موتور است. این صدها هزار موتور، حامل صدها هزار آدم. آدم‌ها در افغانستان درگیر صدها هزار مساله اند و به ساده‌گی می‌توان حدس زد که اکثر این مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اند. آدم‌هایی را که موتور ما دیروز به پروان حمل می‌کرد نیز روی همین موارد حرف می‌زدند. راننده یک‌تن از شهروندان چاریکار بود. او از تلاش‌های محسوس در پروان برای ناامن سازی این ولایت حرف می‌زد و مثال معتبری هم ارایه کرد که همان کشف و ضبط یک مخزن سلاح در جبل‌السراج از سوی نیروهای امنیتی بود، این ابتکار نیروهای امنیتی خبری بود که چند هفته پیش رسانه‌یی شد. بر سخنان او نمی‌شد شک کرد زیرا اوضاع کندز و در کل شمال افغانستان، تاثیر مخرب‌اش را بی‌تردید بر پروان نیز گذاشته است.

مردی که کنار راننده نشسته بود در مورد چندان نقاب‌پوشانی می‌گفت که باری در قریه آنها پیدا شدند و حدود سی جوره لباس سیاه را به زور بالای یک خیاط دوختند. مرد دست راستی‌ام، از زورگویی و قومندان‌سالاری شکایت داشت. او می‌گفت دوکان او توسط یکی از زورگویان مسلح و غیرمسوول به زور تخریب شده و به او وعده اعمار دوکان جدید در مکانی دیگر داده شده است اما تا هنوز از دوکان جدید خبری نیست و هیچ‌کس هم این موضوع را بازخواست نکرده است. در آخر مردی هم، که به طرف دست چپ من نشسته بود به مهم‌ترین مورد امنیتی در شهر چاریکار اشاره داشت. او می‌گفت شهروندان چاریکار پس از ساعت هشت شب به دشواری در شهر گشت‌وگذار می‌کنند و این قیودات ظاهراً از سوی نیروهای امنیتی پروان موقتاً وضع شده است تا مخالفان مسلح نتوانند از طرف شب زمینه را برای ناامن‌سازی پروان فراهم کنند. در سخنان این شخص نیز نمی‌توانستم زیاد تردید داشته باشم زیرا احتمال ناامنی در پروان با در نظر داشت برنامه‌هایی که ستون‌پنجمی‌ها برای شمال ریخته اند، زیاد است.

در چاریکار پیاده شدم، چاریکار مرکز پروان است، شهری کوچک که چهار سمت آن را زراعت و سرسبزی محسوس کرده است. شهری که در ظرف بیست دقیقه می‌شود سر و ته آن را قدم زد. با این حال، این شهر مرکز فروشات و تجارت در تمام پروان و گاهی حتا در سطح دو یا سه ولایت (کاپیسا، پنجشیر و پروان) به حساب می‌رود. در ضمن، چاریکار شهری است که شمال افغانستان از آن‌جا شروع می‌شود و پایتخت کشور را به صفحات شمالی وصل می‌سازد. شهری کوچک با نامی بزرگ. شهرک‌های تازه تاسیس، از نوآوری‌های سازنده در پروان به شمار می‌رود. در این میان، «شهرک معلمین» یکی از تازه‌ترین شهرک‌های پروان است که از سه‌راهی «هوفیان شریف» به طرفشمال، در دامنه کوه خوابیده است. شهرکی که آفتاب خیلی وقت‌تر از کابل در آنجا طلوع می‌کند و روز در این نقطه ساعت شش و حتا پیش‌تر از آن فرا می‌رسد. شاید این تفاوت به دلیل موقعیت بلند شهرک است که ده‌ها متر نسبت به سایر نقاط پروان بلندتر است. اما این بلندی دست ساکنین این شهرک را از ضروریات بی‌شمار زنده‌گی شهروندی مانند آب، برق، بازار، ترانسپورت و سرک کوتاه ساخته است. ریکشا، تنها وسیله‌یی است که مردم این شهرک را به مراکز بهداشتی، آموزشی و به بازار در چاریکار می‌رساند. سرک‌های این شهرک نسبت به ساحات دیگر چاریکار خراب‌تر است و هنوز هموار و قیرریزی نشده است. از سوی دیگر آب و برق نیز هنوز به شهرک‌های تازه تاسیس نرسیده است، برق مردم با بطری‌ها و سولرها تامین می‌شود و آب مردم را تانکرها به

این ساحات می‌برند اما قیمت می‌فروشند. یک تن از ساکنین «شهرک معلمین» گفت: «در ساحات بالاتر از «جوی پروژه» سیستم آب‌رسانی وجود ندارد و فی بیرل آب (بیست الی سی) افغانی به فروش می‌رسد.»

با این حال، فعالیت‌های شهرداری پروان امیدوارکننده است زیرا شهرداری پروان موفق بوده است که سرک‌ها و کوچه‌ها را از ایستگاه کابل تا سه راهی «هوفیان شریف» قیرریزی و سمند کند و هم‌منظور در ساحات دیگر پروان برق وجود دارد و از بندبرق جبل‌السراج تا بندبرق چاریکار برای تولید برق بهره‌برداری صورت گرفته است.

در ساحات زراعتی اما شکایت از آب و برق نیست. قسمت‌هایی که دریاها و جوی‌ها وجود دارند، برای هر ۲۰ تا ۲۵ خانه یک چرخ آبی ساخته شده است که می‌تواند برق کافی یا حد اقل در حد مصارف تلفن‌ها و تلویزیون تولید کند. از جبل‌السراج تا گلبهار را نیز بندبرق جبل‌السراج پوشش داده است. از خوبی‌های برق در جبل‌السراج یکی این است که توانایی به کار انداختن ماشین آلات «فابریکه سمند جبل‌السراج» را دارد. اگرچه این شرکت کارش را از یک هفته به این طرف شروع کرده است و تولیدات آن به شهر چاریکار و سایر نقاط افغانستان فرستاده می‌شود اما هنوز امیدواری برای مصرف کامل تولیدات این فابریکه در کشور وجود ندارد.

از طرف دیگر، کاهش فروشات محصولات زراعتی عمده‌ترین شکایت کشاورزان و روستا نشینان است که بر وضعیت اقتصادی مردم پروان تاثیر منفی گذاشته است. دهقانان می‌گویند این حالت دو-سه سال به این طرف، به ویژه پس از ایجاد حکومت وحدت ملی به میان آمده است. کشاورزان پروان می‌گویند پیش از این محصولات ما به خوبی به فروش می‌رفت و گاهی حتا خریداران و تاجران، نیمه‌شب‌ها برای خریداری محصولات به دهقانان مراجعه می‌کردند، اما در سال‌های اخیر به ویژه امسال، اگر حتا محصولات خویش را خودما به شهر انتقال دهیم به دشواری فروخته خواهد شد.

با تمام دشواری‌ها و سختی‌های که مردم با آن روبه‌رو هستند، اما جرقه‌های شکوفایی در پروان آشکارا دیده می‌شود. فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پروان جدی است. نمونه‌های آشکار فعالیت‌های اقتصادی آن ایجاد شهرک‌ها، باغ‌های تفریحی، قیرریزی و سمندکاری کوچه‌ها و راه‌های مرکز و برخی از شهرستان‌ها، آغاز فعالیت فابریکه سمند جبل‌السراج، راه اندازی برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای زنان کشاورز و ده‌ها مورد دیگر است. و نمونه‌های بارز فعالیت‌های علمی و فرهنگی آن نیز ایجاد مراکز تحصیلات عالی و نیمه عالی، ازدیاد مراکز آموزشی خصوصی، فعالیت رادیو تلویزیون ملی پروان، برگزاری جشنواره‌های تاریخی فرهنگی مانند جشن توت، جشن ارغوان و جهنده بالا در «هوفیان شریف» و غیره به‌شمار می‌روند.

در یک نتیجه‌گیری کلی از پروان، می‌توان دریافت که پروان در کشاکش میان شکوفایی و مشکلات جدی قرار دارد و چنانچه از روحیه مردم پروان پیدا است، سال سختی را در تمامی بخش‌ها در پیش رو خواهند داشت که دلیل اصلی آن ناکامی حکومت وحدت ملی در مدیریت اوضاع کشور، به‌خصوص شمال افغانستان خوانده شده است اما تلاش مردم برای آبادانی، کار، و حمایت از سازنده‌گی پیشرفت به خوبی آشکار است و امکان پیروزی بر ظلمات وجود دارد اما تنها کاری که برای موفقیت باید انجام داد تعهد و همکاری دوجانبه مردم و نیروهای امنیتی است تا پروان به صورت نمادی از شکوفایی در آید.

## به شورای امنیت متوسل...

تروریستان، تروریست اند و به حیث یک دولت مسئول عمل نماید. تروریسم خوب و بد وجود ندارد، و هر کس به چنین تقسیمی قایل شده، این مصیبت در پایان، گریبان خودش را نیز گرفته است.

مردم ما انتظار دارند که ما در مورد ادامه میزبانی، تجهیز، و تسهیل فعالیت گروه‌های تروریستی ضد مردم افغانستان از قلمرو پاکستان که در تناقض با منشور و مصوبات سازمان ملل متحد قرار دارد برمی‌نای اصل عدم حمایت از گروه‌های تروریستی بر علیه کشور ثالث، به شورای امنیت ملل متحد، سایر نهادهای بین‌المللی، و نیز جامعه مدنی بین‌المللی شکایت ببریم. ما این انتظار را به جا می‌دانیم و هرگاه چنین تغییری دیده نشود، ما ناگزیر خواهیم بود، علی‌رغم آرزوها و تلاش‌های ما برای شکل دهی به همکاری‌های منطقی، با مراجعه به شورای امنیت ملل متحد به اقدامات جدی دیپلماتیک متوسل شویم. همچنان ما از طریق نهادهای بین‌المللی مسئول، به پیگرد مجرمان و جنایتکارانی که دست شان به خون مردم ما آغشته است، در بیرون از افغانستان اقدام خواهیم کرد.

قدرمنو و کیلانو، سناتور صاحبان، محترمو حضارو، خویندو او ورونو!  
حکومت د «الصلح خیر» د مبارک آیت په اساس، د سولې لپاره له هغو لاس نه اخلي خو دا سوله به یوازې له افغانی لارو تعقیبو او د افغانستان دولت به له هغو کسانو سره سوله کوي چې جنگ او شر نه غواري، د افغانستان اساسی قانون مني، او له تروریسم سره کاملاً رابطه غوځوي.

خو دا خبره دې ټولو ته واضحه وي چې که سوله غواړو، نو معنا یې دا نه ده چې جنایت کاران دې ازاد گرځي او د خونکارانو په عملونو دې سترگې پټېږي.  
زموږ دفاعي او امنیتی قوتونه چې د خپل ملت او په تېره بیا افغانستان ته متعهدو علماوو ملاتړ ورسره دی، قاطع اراده او څرگند پروگرام لري چې د حقانی او ور سره ملگرو باغیان، داعش، القاعدې او نورو خونکارو ډلو مرکزونه له خاورو سره خاورې کړي او باغیان دوزخ ته واستوي.  
د افغانستان دښمنان دې پوه شي چې که د محاربه په میدان کې او د افغانستان د خلکو په خلاف د ترورستی عمل په وخت ونيول شي، نو خامخا به د قانون منگولو ته سپارل کېږي او د قانون حکم به پوره ورباندې تطبیق کېږي.

په شما نمایندگان محترم، بزرگان و مردم شریف کشورم اطمینان می‌دهم که به عنوان رییس جمهور و پاسدار حقوق و امنیت مردم افغانستان، در مقابل انانی که خون سربازان و مردم بی‌گناه ما را می‌ریزانند با قاطعیت برخورد نموده و هیچ تردیدی در مجازات شان نشان نخواهیم داد. دوران انتهایی که از عفو بی‌موجب برخوردار می‌شدند دیگر پایان یافته است. دولت جمهوری اسلامی افغانستان متعهد است تا فیصله‌های محاکم و نظام عدلی-قضایی را به شمول حکم اعدام، با قاطعیت و با اراده استوار اجرا نماید. اجراء قاطعانه ما یک پیام واضح دارد: دست عدالت ما دراز و نیرومند است و به همه جنایتکاران و تروریستان میرسد. البته واضح است که قاطعیت ما در عدالت همراه با رعایت قانون اساسی ما، تعهدات حقوق بشری ما و سیاست عدالتخواهانه ماست. شما خواهید دید کسانی که به ندای صلح در میز مذاکره جواب رد دادند، عنقریب بعد از تحمل شکست در جبهات جنگ چگونه برای صلح به تضرع و التماس متوسل شوند. امروز، هدف والای صلح پایدار و عزتمندان از طریق اقدامات قاطعانه و سرتاسری در میدان جنگ به دست خواهد آمد.

نمایندگان محترم ملت، سناتور صاحبان محترم، خواهران و برادران عزیز!  
همه مردم ما بر ضرورت اصلاحات و تحول بنیادی اتفاق نظر دارند. ما به تعهدات خود در این زمینه پایبند هستیم. اصلاحات در نهادهای انتخاباتی شروع شده و انتخابات در وقت تعیین شده برگزار خواهد شد. خواهش ما از هر دو مجلس شورا این است که قانونی که به شما ارایه شده، بزودی آنرا پاس نمایند.

یکی از نقاط آسیب‌پذیر اداره ما که دشمنان از آن استفاده مینمایند فساد است. مرتکبین فساد باعث تضعیف قابلیت رزمی و وظیفوی نیروهای دفاعی و امنیتی ما گردیده و از این طریق به دشمنان وطن خدمت میکنند.

ما به نوبه خود این مفسدین را که مرتکب خیانت ملی میشوند، متناسب به جرم شان از طریق محاکم مربوطه مورد مجازات سنگین قرار خواهیم داد. تقاضای من از شما نمایندگان محترم ملت نیز این است که از اصلاحات و جلوگیری از فساد در تمامی نهادها، مخصوصاً نهادهای امنیتی کشور عملاً حمایت کنید تا نهاد‌های امنیتی ما کاملاً غیر سیاسی شوند، و آنانیکه از مقام و منصب استفاده سوء میکنند از هیچ جهتی مورد حمایت قرار نگیرند. موفقیت ما در جبهات علیه دشمن باید از طریق آوردن اصلاحات و ایجاد نهاد‌های پاکتر پاسداری شود. در تحقق این امر از شما می‌خواهم در کنار حکومت بیایستید.

له فساد سره د مبارزې لپاره پکار ده چې د هیواد عدلی او قضایی سستم تحکیم ومومي او قضایی استقلال لا تقویه شي او د سازمان یافته جرایمو د مرتکبانو په مقابل کې زموږ د محترمو قضاتو او څارنوالانو حفاظت ته لا زیاته توجه وشي.

لازمه گڼم چې له ولسي جرگې مننه وکړم چې د افغانستان لوی څارنوال جناب حمیدي صاحب ته یې د باور رایه ورکړه او په دې ډول یې د قضا د عالی شورا د ترکیب تکمیل ته شرایط برابر کړل. په تېرو څو میاشتو کې د قضایی سستم د اصلاح په سلسله کې جناب حلیم صاحب او همکارانو یې تر شپږ سوه زیات قاضیان تغییر، تبدیل او یا نوي مقرر کړي دي او د قاضیانو د ارتقای ظرفیت پروگرامونه د تحقق په حال کې دي. په روانه اونۍ کې به د ملي امنیت شورا د افغانستان د قضایی او عدلی پولیسو د فعالیت او تشکیل نوې مقرر تصویب کړي چې دا کار به له قضاتو او څارنوالانو سره مرسته وکړي چې د مصونیت او اطمینان په فضا کې خپلې چارې پر مخ بوځي. زه له هغو قضاتو او څارنوالانو چې د باغیانو محاکمه یې کړې او د اعدام حکم یې ورکړی مننه کوم او اطمینان ورکوم چې مور به د دوی محافظت وکړو.

تلاش‌های دیگر حکومت در راستای بهبود وضعیت اقتصادی و فراهم سازی فرصت‌های کاری نیز ادامه دارد. در ماه عقرب امسال کنفرانس بروکسل برای افغانستان دایر می‌گردد که در آن بیش از ۷۰ کشور و ۲۰ نهاد بین‌المللی اشتراک می‌نمایند، تا تعهدات شان را برای پنج سال آینده در بخش‌های انکشاف اقتصادی، و تقویه حکومتداری خوب در کشور اعلام کنند. کار بر روی پروژه‌های انکشافی که مقدماتش در سال گذشته فراهم گردید در این سال تداوم خواهد یافت، پروژه‌های تاپی، کاسا ۱۰۰۰، پروژه انتقال برق از ترکمنستان، پروژه خط آهن آقینه-ترکمنستان، و خط آهن هرات-خواف از این جمله است.

د ملت قدرمنو استازو،  
په اخر کې یو ځل بیا تاکید کوم چې د خپلو غیرتمنو امنیتی او دفاعی قوتونو ملاتړ ته دوام ورکړئ. ستاسې سیاسي ملاتړ به د دې سبب شي چې زموږ دفاعي او امنیتی قوتونه په لا زیات اطمینان سره د افغانستان له دښمنانو سره مقابله وکړي او په دې ډول به، که خدای کول، سړ کال د تروریستانو او خونکارانو د وروستی او نهایی شکست په کال باندې بدل شي. انشالله و تعالی!  
تل دې وي افغانستان!  
زنده باد افغانستان!  
کُسه سین افغانستان!

**فیسبک نامه**

نورالله ولی زاده



سخنرانی اشرف غنی تاریخی نشد!

عدم حضور عبدالله عبدالله، رییس اجرایی دولت در شورای ملی در هنگام سخنرانی اشرف غنی، پرسش بزرگی را در مورد وحدت واقعی میان دو جناح سیاسی تشکیل دهنده حکومت خلق کرد.

در سخنرانی آقای غنی بر لزوم وحدت میان جناح‌های سیاسی به عنوان پیش شرط فایز آمدن بر مشکلات اشاره شد که اشاره به اختلاف نظرها میان رهبران حکومت وحدت ملی نیز تعبیر شده می‌تواند.

حضور جریان‌ها و حلقه‌های سیاسی مخالف سیاست‌های حکومت نیز در نشست امروزی شورای ملی ناپیدا بود.

سخنرانی آقای غنی از بُرش لازم در مواجهه با طالبان برخوردار نبود و می‌توان گمان برد که یکی از دلایل عمده فقدان حضور عبدالله عبدالله و سایر جریان‌ها و چهره‌های سیاسی مخالف سیاست‌های دولت نیز ربطی به این بی‌بُرش داشته باشد.

در حالی که سخنرانی امروز رییس حکومت وحدت ملی از سوی برخی‌ها تاریخی عنوان می‌شد، اما در پایان بسیاری‌ها آن را میان تهی و تکراری عنوان کردند.

باید منتظر برخی از انکشافات و اظهارات دیگر بود تا دقیقاً روشن شود که چه چیزی عامل «غیرتاریخی» شدن این سخنرانی بوده است؟!

برنا صالحی



هدف پشت صحنه نشست مشترک رییس‌جمهور و شورای ملی

متن سخنرانی رییس‌جمهور در تعریف دوست و دشمن، گزارش کارکردها و توضیح برنامه‌های جدید حکومت در مبارزه علیه چالش‌های موجود امنیتی و سیاسی به مقتضای روز و نسبتاً بی‌نقص و جامع بود.

اما به دو دلیل فیصدی بالای از آن‌چه که گفته شد عملی‌شدنی نیست: ۱-هدف از نشست و سخنرانی امروز رییس‌جمهور، اساساً به نظر من چیز دیگری بوده است. یعنی او با توجه به ضعف مدیریتی که در طول تقریباً دو سال گذشته از خود نشان داده، مشروعیت سیاسی نیم‌بند حکومت وحدت ملی را در حال از دست دادن است و نیاز دارد تا حداقل با نشان دادن چهره جدید حکومت وحدت ملی، از خطر فروپاشی احتمالی آن در ختم زمان دوساله توافق‌نامه سیاسی جلوگیری کند. طوری‌که به مردم و جامعه جهانی نشان دهد که هنوز نمایندگان مردم در امر بقای حکومت او را تنها نگذاشته‌اند.

۲-در صحبت‌ها و سخنرانی‌های قبل از این نیز رییس‌جمهور به مسایلی چون اصلاح نظام قضایی و نظام انتخاباتی و بهبود وضع اقتصادی مردم بارها تأکیدی داشته که به هیچ‌کدام به صورت درست جامعه عمل نه پوشانیده است.

بنابراین، به حکم «آزموده را آزمون خطاست»، این را می‌توان یکی دیگر از آن حرف‌های قدیم دانست.

اما من آرزو دارم که این بار آن‌گونه نباشد.

علی پارسا



برداشت من: آیا نطق غنی «تاریخی» بود؟

رییس‌جمهور آمده بود میان دوست و دشمن خط‌کشی کند. دوست و دشمن را تعریف کرد و شاید برای نخستین بار طالبان را در صف «تروریستان، جانین و باغیان» آورد؛

و عده شدت عمل در برابر تروریستان در میدان جنگ و اجرای حکم محکومان به اعدام داد. اعلان کرد که در صلح موقتاً باز است و تنور جنگ هم گرم خواهد بود.

این یعنی اگر پیش از این تریبون رسمی حاکمیت با ارفاق و ممانعت با طالبان، قرض‌دارشان بوده، تازه با نگاهی واقع‌بینانه قبول کرده‌اند که به نقطه صفر قدم بگذارند. ما بعد از یک و نیم دهه تازه به قبول واقعیت‌ها روی آورده‌ایم و پذیرفته‌ایم که طالبان، نه برادران ناراضی و نه مخالفان سیاسی؛ بلکه دشمن جانی و تروریست مردم افغانستان است. چنین اعترافی از زبان زعیم سیاسی پشتون‌تبار افغانستان، گاهی هزینه‌های سنگینی به بار می‌آورد؛ اما رییس‌جمهور غنی باید از میان قبیله و ملت یکی را انتخاب کند؛ هرچند که تا کنون اولی بر دومی چربیده؛ در خوش‌بینانه‌ترین حالت حتا اگر نطق امروز رییس‌جمهور را بنا بر اظهارات دار و دسته‌اش، «بیانیه تاریخی» بخوانیم، باز هم از نظر عملی تغییر رویکرد استراتژیک چندانی را برجسته نکرده و تنها در حوزه نظر به برخی از پرسش‌های متداول پاسخ داده است.

جواد ناجی



غنی در سخنرانی آموزش جیغ نزد و برخلاف گذشته آرام حرف زد. اما حرف‌های مهم و تاریخی بود؟

دامن حرف‌های غنی فراخ بود. بخشی از صحبت‌هایش اهمیت داشت. آنچه اما می‌توانست ادعای تاریخی بودن سخنرانی او را قطعی کند، به دست خود غنی و با چشم‌پوشی از طالبان ادعایش را خنثی کرد. از القاعده که فسیل بیش نمانده است و از داعش و نیز با اکره عده از طالبان را دشمن مردم افغانستان خواند.

غنی سیلی محکمی هم به رخ کرسی زد و گفت دوران عفو بی‌موجب تمام شده است و دولت افغانستان متعهد به اجرای حکم محاکم به شمول اعدام است.

**کشور**

اردوغان:

**مبارزه با تروریسم تا خنثی کردن آخرین بمب «پ.ک.ک» ادامه دارد**

رییس‌جمهوری ترکیه اعلام کرد: مبارزه با تروریسم تا زمان خنثی کردن آخرین بمب «پ.ک.ک» و کسانی که به بهانه آزادی رسانه، قانون‌مداری و دموکراسی به اتحاد ملت و همبستگی دولت حمله می‌کنند، ادامه دارد.

رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری ترکیه در مراسم افتتاحیه پروژه‌یی در آدانا، یکی از استان‌های جنوبی ترکیه گفت: «آن‌هایی که ترکیه را یک کشور تروریستی می‌دانند خود به تشویق و حمایت از حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) می‌پردازند.»

او ادامه داد: من خطاب به آن‌هایی که وقتی به ترکیه نگاه می‌کنند، این کشور را پُر از خندق و گودال (مشکلات) می‌بینند می‌گویم، شما باید به جای نگاه کردن به این خندق‌ها، به کسانی که این خندق‌ها را کنده‌اند توجه کنید. آن‌ها که تنها سوری‌ها و پناهجویان را می‌بینند، به این مسأله توجه کنند که چه کسانی کشور آن‌ها را به محلی غیرقابل زنده‌گی تبدیل کرده‌اند.

او در ادامه با اشاره به جنبش فتح الله گولن، روحانی در تبعید ترکیه گفت: مبارزه علیه طرفداران این جنبش ادامه دارد. اردوغان خطاب به فتح الله گولن نیز گفت: تو در پنسیلوانیا هستی، اگر گناهکار نیستی، به ترکیه بازگرد.

**بمب‌های سایبری، سلاح جدید امریکا برای مبارزه با داعش**

امریکا راه جدیدی از مبارزه را برای رویارویی با داعش پیش گرفته و برای نخستین بار به فرماندهی سایبری ارتش دستور داده تا حمله به شبکه‌های کامپیوتری تروریست‌های داعش را ترتیب دهند؛ سلاحی که در حال حاضر بیشتر از تسلیحات سنتی استفاده می‌شود.

این اقدام بیان‌گر تمایل باراک اوباما، رییس‌جمهوری امریکا برای استفاده از بسیاری از تسلیحات سایبری محرمانه کشورش در مبارزه با داعش است که ثابت کرده در استفاده از وسایل ارتباطی مدرن و رمزگذاری شده برای به خدمت گرفتن شبه نظامیان و انجام عملیات بسیار ماهر است.

آژانس امنیت ملی امریکا که در نظارت الکترونیکی بسیار خیره و ماهر است سال‌ها تروریست‌های داعش را شهوند کرده و گزارشاتش اغلب بخشی از اطلاع‌رسانی روزانه رییس‌جمهور را تشکیل می‌دهد، اما فرماندهی سایبری امریکا عمدتاً بر روسیه، چین و کوریای شمالی متمرکز شده که حملات سایبری از طرف آن‌ها علیه امریکا چندین بار صورت گرفته و در واقع هیچ عملیاتی علیه خطرناک‌ترین سازمان تروریستی جهان انجام نداده است.

بررسی آن‌چه که باید در رویارویی با داعش صورت گیرد در برنامه امروز اوباما در جریان دیدارش با رهبران انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان قرار دارد. حملات سایبری جدیدترین گزینه در بین این اقدامات است. مقامات بسیاری از کشورها نیز درباره این مسأله مذاکره کرده‌اند که ارزیابی موفقیت و ناکامی آن از بیرون بسیار دشوار است.

**امریکا ۲۵۰ نظامی دیگر به سوریه اعزام می‌کند**

باراک اوباما رییس‌جمهور امریکا که در آلمان به سر می‌برد قرار است خبر اعزام ۲۵۰ خدمه نظامی دیگر به سوریه برای حمایت از شبه نظامیان محلی در نبرد با گروه (داعش) را اعلام کند.

مقام‌های امریکایی می‌گویند که هدف از این کار تشویق کشورهای عرب سنی به پیوستن به نیروهای کرد در شمال شرقی سوریه است. استقرار تازه شمار خدمه نظامی لمریکا در نقش غیررسمی در سوریه را به ۳۰۰ نفر می‌رساند.

آقای اوباما پیشتر در مصاحبه با بی بی سی اعزام نیروی زمینی به سوریه را رد کرده بود.

او گفت: «وضعیت دل‌خراش سوریه که بسیار بغرنج است» فقط با تکیه بر نیروی نظامی قابل حل نیست.

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش می‌دهد که بیشتر نیروهای اضافی که به سوریه اعزام خواهند شد کماندو خواهند بود، اما این نیرو شامل خدمه پزشکی و لجستیکی هم خواهد بود.

این خبر را قرار است آقای اوباما رسماً روز دوشنبه در هانوفر آلمان اعلام کند، جایی که در مورد سوریه و سایر مسایل سیاست خارجی با رهبران بریتانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا بحث خواهد کرد.

آقای اوباما روز یکشنبه گفت که او «عمیقاً نگران» اوج گرفتن خشونت‌ها در سوریه است. مخالفان نیروهای دولتی را به نقض آتش‌بسی که با میان‌جیگری امریکا و روسیه به دست آمده متهم می‌کنند.



**برخی از ورزشکاران به رهبران دولت: روابط را بر ضوابط مقدم شمارید**



پنج ابوبکر مجاهد

تیم مبارزات آزاد افغانستان که جهت اشتراک در مسابقات عازم پاکستان شده بود، دیروز (دوشنبه ۶ ثور) از طرف کمیته ملی المپیک در کابل مورد ستایش قرار گرفتند.

این تیم چهار نفری به نمایندگی از افغانستان در مسابقات آزاد (فری‌فایت) که بین چهار کشور آسیایی به میزبانی کشور پاکستان برگزار شده بود، اشتراک کرده بودند.

مسوولان کمیته ملی المپیک، در جریان توزیع ستایش‌نامه‌ها برای این ورزشکاران، موفقیت این تیم و سایر تیم‌های ورزشی در میدان بزرگ مسابقات را حفظ هویت افغانستان در جهان خوانده و ابراز داشتند که موفقیت شما و باعث تشویق سایر ورزشکاران در کشور می‌شود.

اما، برخی از ورزشکاران در این محفل از بی‌توجهی دولت در برابر ورزشکاران انتقاد کرده، افزودند که رهبران دولت به اساس روابط از ورزشکاران ستایش می‌کنند نه استعداد.

از سوی هم، محمود حنیف سکرتر جنرال کمیته ملی المپیک در این محفل گفت: این موفقیت در حقیقت به اثر تلاش ورزشکاران خودجوش به دست آمده و کمیته ملی المپیک کمکی و همراهی با این افراد نداشته است، ورزشکاران با هزار یک مشکل درکلب‌ها که مناسب نیست تمرین می‌کنند و به افغانستان مدال می‌آورند.

به گفته آقای حنیف، در کمیته ملی المپیک مشکلات وجود دارد اما، ما تلاش می‌کنیم مشکلات کاهش یابد و تا بتوانیم به ورزشکاران رسیده‌گی لازم کنیم. در این محفل از برخی ورزشکاران نسبت زحمت و آوردن مدال به کشور ستایش شدند که ننگیالی نیکزاد، قیس جسور، نصار احمد وطندوست، نصرالله آخندزاده، سهیل، رحمت الله و ... از ورزشکارانی بودند که برایشان ستایش نامه توزیع گردید.

هم‌چنان، ننگیالی نیکزاد، یک تن از ورزشکاران گفت: در مسابقات که در میان چهار کشور آسیایی در پاکستان برگزار شده بود، در دقیقه دوم حریفم را شکست دادم.

او با بیان اینکه ما به‌خاطر ستایش‌نامه مبارزه نمی‌کنیم بلکه به‌خاطر بلند کردن پرچم کشور خود مبارزه می‌کنیم، گفت: پس از این دور مسابقات ورزشکاران کشور ما توانسته‌اند موفق شوند و سفرهای به هند و ایران در پیشرو داریم به امید که در آن نیز پیروز باشیم.

این ورزشکار جوان افزود: در افغانستان زمینه تمرین برای ورزشکاران مساعد نیست و دولت باید در مورد ایجاد زمینه مناسب برای تمرین و سایر موارد به جل مشکلات ورزشکاران تلاش کند و ورزشکاران مورد توجهی دولت قرار بگیرند.

او بیان کرد که از رهبران دولت وحدت ملی می‌خواهیم به اساس روابطه و شناخت با ورزشکاران برخورد نکنند، تا وقتی یکی از نزدیکان ورزشکاران در ریاست جمهوری نباشد، ورزش کاری از طرف رییس جمهوری دعوت و تشویق نمی‌شود. او افزود: رهبران باید تلاش کنند افرادی که به خاطر افغانستان مبارزه می‌کنند، مورد ستایش قرار گیرند، از تجارهای ملی کشور می‌خواهیم که ورزشکاران کمک نمایند.

هم‌چنان، نصار احمد وطندوست یکی و بریدملان قطعه خاص کمندو و ماستر در رشته مبارزات آزاد، در مصاحبه با روزنامه ماندگار گفت: از سن ۹ سالگی تمرین «کراته» از ولایت کاپیسا شروع کرده‌ام و در مسابقات در میان بیش از ۵۲ کشور در امریکا برگزار شده بود، لقب بهترین مرد کمندو را کسب کردم و در میان ۱۳۰ کشور در دوشوار ترین مسابقه نظامی بهترین درجه از آن خود نمودم.

آقای وطندوست بیان کرد: مدت چهار سال در ایالات متحده امریکا محصل بودم و لسانس و ماستری خود را در رشته مبارزات آزاد از امریکا گرفته ام، تا هنوز ۸۱ مبارزه و شش مرتبه در مسابقات نهایی اشتراک کرده ام.

به گفته او، در مبارزات که اشتراک کرده تا هنوز شکست نخورده، دو کمر بند گرفته که شش نفر به‌خاطر گرفتن کمر بندهایش چلنج داده است که شکست خورده‌اند.

او که ماستری خود را در رشته مبارزه آزاد (فری‌فایت) از امریکا گرفته است، می‌گوید: در افغانستان تمام ورزشکاران به مشکلات زیاد دچار اند، خرج و مصارف ورزشکاران بالای خودشان است که برای تمام‌شان دشوار است، پیشنهاد جهت حل مشکلات ورزشکاران به فدراسیون تربیت بدنی شده وعده دادند که به مشکلات ورزشکاران به شکل جدی رسیده‌گی صورت می‌گیرد.

# Mandegar

به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده گان بر می گردد»

## نگرهار کې ۳۷ داعش او طالب وسله والو ته مرگ ژوبله اوښتې



امنیتي چارواکي وايي، په ننگرهار ولايت کې د خپل منځي ښتې او د هوايي برید په ترڅ کې ۳۷ تنو داعش او طالب وسله والو ته مرگ ژوبله اوښتې. د جمهور اژانس د خبر له مخې چارواکي زیاتوي، چې داعش او طالبانو ته دغه مرگ ژوبله تېره ورځ د ننگرهار په هسکې مېنې او نوموړي زیاته کړه، چې په دغه جگړه کې د یوه مشهور قوماندان په گډون ۱۰ داعش وسله وال او شپږ وسله وال طالبان وژل شوي، ۱۵ داعشیان او څلور وسله وال طالبان تپیان شوي دي. ویاند حضرت حسین مشرفیوال وايي، لومړی د هسکې مېنې ولسوالۍ د نړۍ ابو په سیمه کې د طالبانو او داعش تر منځ جگړه شوې. دغ راز مشرفیوال زیاتوي، چې په همدې ورځ د اچین ولسوالۍ د وچ خور په سیمه کې پر داعش هوايي بریدونه شوي، چې دوه داعشیان په کې وژل شوي او یو موټر یې له منځه وړل شوی دی. په ورته وخت کې د سیمې اوسېدونکي وايي، چې په هسکه مېنه ولسوالۍ کې لا هم د طالبانو او داعش تر منځ نښته روانه ده. دواړو ډلو تر اوسه په دې اړه څه نه دي ویلي.

## هلمند کې ۷ تنو پولیسو ته مرگ ژوبله واوښته

امنیتي چارواکي وايي، په ننگرهار ولايت کې د خپل منځي ښتې او د هوايي برید په ترڅ کې ۳۷ تنو داعش او طالب وسله والو ته مرگ ژوبله اوښتې. د جمهور اژانس د خبر له مخې چارواکي زیاتوي، چې داعش او طالبانو ته دغه مرگ ژوبله تېره ورځ د ننگرهار په هسکې مېنې او اچین ولسوالۍ کې اوښتې ده. نوموړي زیاته کړه، چې په دغه جگړه کې د یوه مشهور قوماندان په گډون ۱۰ داعش وسله وال او شپږ وسله وال طالبان وژل شوي، ۱۵ داعشیان او څلور وسله وال طالبان تپیان شوي دي. ویاند حضرت حسین مشرفیوال وايي، لومړی د هسکې مېنې ولسوالۍ د نړۍ ابو په سیمه کې د طالبانو او داعش تر منځ جگړه شوې. دغ راز مشرفیوال زیاتوي، چې په همدې ورځ د اچین ولسوالۍ د وچ خور په سیمه کې پر داعش هوايي بریدونه شوي، چې دوه داعشیان په کې وژل شوي او یو موټر یې له منځه وړل شوی دی. په ورته وخت کې د سیمې اوسېدونکي وايي، چې په هسکه مېنه ولسوالۍ کې لا هم د طالبانو او داعش تر منځ نښته روانه ده. دواړو ډلو تر اوسه په دې اړه څه نه دي ویلي.

## اداره عالی مبارزه با فساد: حکومت در مبارزه با فساد، رضایت مردم را به دست نیاورده است



مقام‌های اداره عالی مبارزه با فساداداری از تلاش‌ها در راستای کاهش فساداداری در نهادهای حکومت افغانستان سخن می‌زنند؛ اما این مقام‌ها، تلاش‌های حکومت را از بین بردن فساد در ادارات کشور کافی نمی‌دانند. سید حسین فخری رییس اداره عالی مبارزه با فساد اداری به خبرگزاری جمهور گفت: حکومت افغانستان در از بین بردن فساد اداری تا هنوز نتوانسته است رضایت مردم افغانستان را به دست آورد. آقای فخری تاکید کرد: در امر مبارزه با فساد، تنها با صدور احکام و فرامین، قابل نمی‌توان مبارزه کرد و باید اقدامات جدی در ادارات کشور شکل گیرد. رییس اداره عالی مبارزه با فساداداری از تغییرات جدید در نهادهای عدلی و قضایی به ویژه دادستانی کل، ابراز امیدواری کرد که مبارزه با فساد را در اولویت کاری شان قرار دهند. در همین حال، دیدبان شفافیت افغانستان

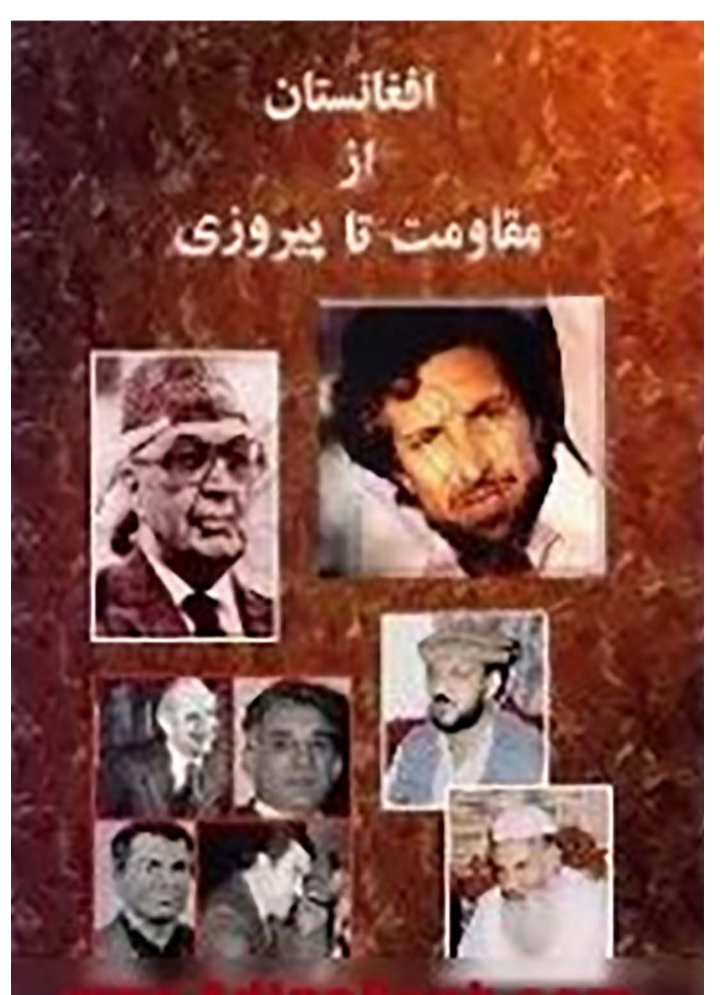
از افزایش روزافزون فساد اداری در ادارات افغانستان نگران است. سیدافضل اکرام رییس اجرایی دیدبان شفافیت افغانستان سخت انتقاد می‌کند که مبارزه با فساداداری در یک سال گذشته در اولویت کاری حکومت قرار نگرفته است. این نگرانی‌ها در حالی مطرح می‌شود که بر بنیاد تحقیق تازه دیدبان شفافیت افغانستان، پول‌های هنگفتی از درآمدهای فساد اداری به بیرون از افغانستان انتقال می‌یابد.

# افغانستان از مقاومت تا پیروزی

آورده است. کتاب «افغانستان از مقاومت تا پیروزی»، روایت مبارزات مردم افغانستان، اصلاحات امان‌الله خان، ساختار جامعه و تکوین دولت، انقلاب سپید داوود و دولت‌های دکتر یوسف محمد هاشم میوندوال، اعتمادی، عبدالظاهر، شفیق... تا شهید احمدشاه مسعود و نجیب و حکومت مجاهدین و اوضاع اقتصادی و سیاسی این دولت‌ها تا سقوط مزار شریف در بر دارد. می‌توان گفت که این روایات تحلیل‌هایی واقع‌گرایانه است از دیدار و گفت‌وگوهای مستند با مجاهدین، فرماندهان و مردمی که تا به امروز و طول سالیان جنگ در عمق حوادث بوده‌اند. احمد شاه فرزنان از نزدیک با کسانی که در رقم زنی و به پیروزی رساندن این مقاومت نقش داشته اند ساعت‌ها گفت‌وگو کرده و بر بنیاد گفته و داشته‌های آنان کتاب «افغانستان از مقاومت تا پیروزی» نوشته است. نویسنده ریز، ریزو پیوسته به بیان رخدادها و وقایع پرداخته و از عهده آن به خوبی به در شده است، اما کم حوصلگی و بی دقتی ویراستاری را میتوان از اشکالات فنی این کتاب برشمرد که در برخی موارد از برجستگی بحث مطرح شده، کاسته است. **سناشه:** سرشناسه: فرزنان، احمدشاه، - ۱۳۳۲ وضعیت ویراست: [ویراست ۲] مشخصات نشر: مشهد: احمدشاه فرزنان، ۱۳۸۳. مشخصات ظاهری: [۵۴۳] ص.مصور، عکس وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: ص. ع. به انگلیسی: Ahmad shah Farzan. Afganistan from resistance to victory یادداشت: کتاب‌نامه موضوع: افغانستان -- تاریخ -- قرن ۱۴ موضوع: افغانستان -- تاریخ -- اشغال روسیه شوروی -- ۱۳۶۸ - ۱۳۵۸ رده بندی کنگره: ۱۳۸۳/DS۳۷۱ الف۴ف/۲ رده بندی دیویی: ۱۰۴۵/۹۵۸ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۹۲۱-۸۲

تاریخی با اجتماعی را از دیدگاه خاص خودشان نگریسته و با معیارهای قالبی خود، اقدام به نشر آن می‌کنند. به باور احمد شاه فرزنان، هرگاه بخواهیم حوادث و رخدادها مهم تاریخی به صورت زنده و واقعی باقی بماند، بایستی کلیات و حتا جزئیات آن به صورت مکتوب و مستند و البته به دور از وابستگی‌های حزبی و گروهی و بدون در نظر داشتن باورهای سیاسی و اجتماعی ثبت و ضبط گردد که به گفته نویسنده «افغانستان از مقاومت تا پیروزی» در غیر این صورت، این رخدادها به گونه یی تحریف شده و غیر واقعی جلوه خواهد کرد و برای آیندگان چندان جذابیت نخواهد داشت. اما، چرا باید به تاریخ مجاهدین و دوران مقاومت های ملی و سیر حوادث آن توجه شود؟ که به باور آقای فرزنان: ایستادگی‌های نهضت مقاومت افغانستان در برابر تهاجم شوروی سابق، یک جنبش ساده و خودش نبوده است؛ بلکه از دیدگاه تاریخی با قیام‌های مردمی همراه بوده و پیوند خورده است که به نوشته نویسنده «افغانستان از مقاومت تا پیروزی»، این قیام‌های خود جوش و از سر خشم، منجر به چالش‌ها و تنش‌هایی بین حاکمیت مارکسیست‌ها و مردم گردیده و به مرور ایام به نبردهای سازماندهی شده و مسلحانه تبدیل شده است و در سیر حوادث این دوران، نا گفته‌ها زیاد است که آقای فرزنان در این کتاب گوشه‌های از این ناگفته‌ها را روشن کرده است. بر اساس موضوعات مطرح شده در کتاب «افغانستان از مقاومت تا پیروزی»، با سقوط رژیم داوود خان در ۱۹۷۸م. تاریخ افغانستان ورق می‌خورد و پس از آن این کشور پر از حرکت‌های خودجوش و سازمان‌دهی شده مردمی و مخالفت‌ها و مبارزات آنها علیه ایدئولوژی‌های وارداتی است. این کتاب مبارزات، مخالفتها، انقلاب‌ها و تاریخ بیست ساله اخیر افغانستان را به رشته تحریر در

پیروزی» نوشته داستان‌نویس و روزنامه‌نگار توانای افغانستان، آقای احمدشاه فرزنان است که بار نخست به سال ۱۳۸۱ و بار دوم در تابستان ۱۳۸۳ خورشیدی، به نشر رسیده و آمده تا این کمبود را پر کند. احمد شاه فرزنان، پیش از کتاب افغانستان از مقاومت تا پیروزی کتاب‌های دیگری نیز در پیوند به مبارزات و پای‌مردی‌های مردم افغانستان به‌ویژه شهید احمدشاه مسعود، قهرمان ملی افغانستان نوشته است که «افغانستان: از داوود تا صعود مسعود» و «عقاب‌های پامیر» از کتاب‌های معروف او در این زمینه است. سعید اعظم ویراستاری کتاب «افغانستان از مقاومت تا پیروزی» را به دوش داشته، فضل احمد پنهان حروف‌چینی و صفحه‌آرایی آنرا انجام داده و وحید اعظم به آن طرح پشتی ریخته است. احمد شاه فرزنان در «سراغاز» کتاب افغانستان از مقاومت تا پیروزی نوشته است که با اعتمادترین آثار مکتوب تاریخی، همان آثاری هستند که مورخین و خالقان آثار در متن قضایا و در عصر آن حوادث قرار داشته اند و با نگاهی واقع‌گرایانه و در کمال بی‌طرفی به نگارش آن حوادث پرداخته باشند؛ ولی امروزه اکثر مخبران و واقعه‌نگاران در سراسر جهان، هر حادثه



هارون مجیدی

پرداختن و نوشتن تاریخ مبارزات و مقاومت‌های مردم افغانستان در برابر تجاوز سرخ و سیاه، چنانی که باید، صورت نگرفته و سواى چند کتاب محدود، داشته‌های آن‌چنانی از آن روزگاران ثبت نشده است که کتاب «افغانستان از مقاومت تا